

سه چهارم درآمدهای نفتی در خسارت‌های محیط زیستی دود می‌شود

طبیعت رامی سوزانیم سالی ۳۴ میلیارد دلار

سکوت سیاستگذاران و خشکسالی ۸۵ درصدی کشور
تا سوختن سالانه ۴۷ هزار هکتار جنگل

صفحه ۶



پیامک قطع یارانه برای ۳ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر

ده میلیون درآمد! «شما واجد شرایط نیستید»

تا پایان امسال ۱۸ میلیون نفر دیگر از فهرست دریافت یارانه حذف می‌شوند

در روزهایی که گذشت پیامکی از سوی سامانه حمایت دهک‌بندی پارانها به خانوارهایی که یارانه‌شان قطع شده آمده، مبنی بر اینکه «براساس مصوبه مجلس شورای اسلامی و بررسی‌های صورت گرفته روی شاخص‌های بانکی، درآمدی و دارایی شما، سرانه درآمد ماهانه پس از کسر هزینه‌های اجاره مسکن، بیشتر از ۱۰ میلیون تومان برآورد شده است بنابراین خانوار شما واجد شرایط اخذ یارانه نیست. جهت مشاهده جزئیات یا ثبت درخواست به آدرس مورد نظر مراجعه کنید.» همین پیامک تا امروز روی باعث قطع یارانه ۳ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر شده که سر و صداهای زیادی هم در جامعه راه انداخته است.

٥٠ من صفحہ



یادداشت

پیامک قطع یارانه برای ۳ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر

ده میلیون درآمد! «شما واجد شرایط نیستید»

تا پایان امسال ۱۸ میلیون نفر دیگر از فهرست دریافت یارانه حذف می‌شوند

در روزهایی که گذشت پیمایی از نسوی سامانه حمایت دهک بندی بارانه‌ها به خانواده‌هایی که «براساس بارناشنه‌ان قطع شده آمده، مبنی بر اینکه «براساس مصوبه مجلس شورای اسلامی و بررسی‌های صورت گرفته روی شاخص‌های بانکی، درآمدی و دارایی‌ها، شما، سرانه درآمد ماهانه‌ای از کسر هزینه‌های اجاره مسکن، بیشتر از ۱۰ میلیون تومان برآورد شده است بنابراین خانوار شما واجد شرایط اخذ بارانه نیست. جهت مشاهده جزئیات یا ثبت درخواست به آدرس مورد نظر مراجعه کنید.» همین پیامک را امروز باعث قطع بارانه ۳ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر شده که سر و صدای زیادی هم در جامعه صورت نداشته است.

ورود یک میلیون خانوار
به باشگاه پرداخت درآمدها!

سی‌ام مرداد ماه امسال یعنی همین چند روز پیش، در مرحله ۱۴۴۱م از یارانه‌ها به حساب سراسر استان خوارق اعلام می‌شود که چهارم تا نهم کشور و پانزدهم از نظر اعتبارات بودجه‌ای است. یارانه به مبلغ ۱۳۹۶ هزار و ۷۰۸ میلیارد ریال به حساب ۱۵ میلیون و ۸۳۸ هزار و ۴۹۵ نفر در دهک‌های چهارم تا نهم در سراسر کشور و از شدت و بر اساس دهک‌بندی اعلام شده از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۴۶ میلیون و ۵۷۶ هزار و ۳۳۱ نفر در دهک‌های چهارم تا نهم قرار داشتند که یارانه نقدی آنها به حساب سراسر استان خوارق به توسط ۲۸ بانک عامل در سراسر کشور اعلام شد.

مقایسه تعداد یارانه‌گیران این مرحله با مرحله قبل، البته تفاوت زیادی در تعداد خانوارها و افراد یارانه‌گیر نشان می‌دهد.

یکی مراد ماه، همین سازمان در خبری اعلام کرده بود که در مدت زمانه، ۱۷۳ به مبلغ ۱۴۸ هزار و ۹۰۷ میلیارد ریال به حساب ۱۶ میلیون و ۸۶۷ هزار و ۱۹۶ نفر در دهک‌های چهارم تا نهم در سراسر کشور واریز شده و به این ترتیب و براساس دهک‌بندی اعلام شده از سوی وزارت کار، ۴۹۹ میلیون و ۶۴۷ هزار و ۶۵۵ نفر که در دهک‌های چهارم تا نهم قرار داشتند، یارانه نقدی ماهانه بهره‌مند شدند.

با این حساب در مرداد ماه، یک میلیون و ۳۵ هزار و ۷۰۱ خانوار با تعداد جمعیتی معادل ۳ میلیون و ۶۶ هزار و ۲۳۴ نفر از جمعیت یارانه‌گیر در دهک‌های چهارم تا نهم حذف شدند.

🔴 کاهش ناگهانی فقرای زیر خط فقر مطلق

موضوع البته به همین جا ختم نمی شود. در مرحله ۱۷۴ام یارانه ها، تعداد افرادی که در دهک های

درآمدی اول تا سوم (جمعیت زیر خط فقر ملکی کشور) بودند نیز دستخوش تغییراتی شد. سازمان هفتمیندسازی یارانه‌ها روز ۲۵ مرداد اعلام کرد که در مرحله اول یارانه‌ها مبلغ ۱۱۲ هزار و ۳۷۷ میلیارد ریال به حساب ۱۰ میلیون و ۲۲۴ هزار و ۳۱۱ نفر (سرپرستان خانوار) در دهک‌های اول تا سوم در سراسر کشور واریز شد که جمعیتی معادل ۲۸ میلیون و ۹۶۴ هزار و ۴۰۲ نفر در بر می‌گرفت. همین سازمان، بیست و ششم تیر ماه خبر داده بود که در مرحله اول ۱۷۳ یارانه‌ها مبلغ ۱۱۲ هزار و ۵۹۶ میلیارد ریال به حساب ۱۰ میلیون و ۲۲۲ هزار و ۵۵۰ سرپرست خانوار در دهک‌های اول تا سوم در سراسر کشور واریز شد که جمعیتی این یارانه‌گیرها معادل ۲۸ میلیون و ۲۹۹ هزار و ۱۹ نفر اعلام شده بود. با این حساب، در مرداد ماه، ۸ هزار و ۶۱۶ خانوار با جمعیتی معادل ۵۴ هزار و ۶۱۷ نفر هم‌راهِ دهک‌های فقیر کاسته و به دهک چهارم تا نهم منتقل شده بودند. مجموع این افراد با حذف‌شدگان از دهک‌های چهارم تا نهم نشان می‌دهد که ۱۲ میلیون و ۹۵۱ نفر در مرداد ماه از گردونه یارانه‌گیری حذف شدند.

تفاضل مبالغ پرداخت شده در مرحله ۱۷۳ و ۱۷۴ هم نشان می‌دهد که در مرداد ماه از ناحیه حذف یارانه‌ها، دولت دست به ذخیره ۹ هزار و ۴۱۸ میلیارد ریال زده؛ کمتر از یک همت.

درآمدهایی که حذف یارانه را رقم زد

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، این ماه و برای دادن یارانه، شاخص جدیدی را البته با مجوز مجلس کرده که براساس آن اگر درآمد سرانه افراد خانوار پس از کسر هزینه مسکن، بالای ۱۰ میلیون تومان باشد، آن خانواده از یارانه گرفتن حذف می‌شود. این شاخص که به نظر می‌رسد بیشتر به نفع خانواده‌های پرجمعیت‌تر تنظیم شده، بزرگترین ضربه را به خانواده‌های کم نفره، دو نفره و سه نفره می‌زند. دلایل این موضوع هم با یک حساب سرانگشتی قابل تبیین است. طبق اعلام مرکز آمار ایران، در سال ۱۴۰۳، هزینه‌های مسکن، ۴۳٫۷ درصد از خانوار را به خود اختصاص داده بود. به عبارت دیگر، ۵۶٫۳ درصد کل درآمد خانوار، برای سایر هزینه‌های زندگی مثل خوراک، پوشاک،

کفش، فرهنگ، تفریح، بهداشت و درمان، حمل و نقل و ارتباطات و... خرج می‌شد و هزینه مسکن، مابقی این درآمدها را به تنهایی می‌بلعید.

حال با شاخص وزارت کار که درآمد سرانه ۱۰ (میلیون) ریال برای سایر هزینه‌های غیر مسکنی مبنا قرار داده، به محاسبه درآمد خانوار برای گرفتن یارانه می‌پردازیم. با این شاخص، خانوار تک نفره باید ماهانه زیر ۱۵ میلیون و ۷۶۰ هزار تومان، خانوار دو نفره کمتر از ۳۵ میلیون تومان و خانوار سه نفره باید کمتر از ۵۰ میلیون تومان درآمد داشته باشد تا همچنان از تحت یارانه‌گیری برخوردار باشد. این اعداد البته برای خانوارهای پر جمعیت به طور ضاعود افزایش می‌یابد و جالب این است که بعد از خانوار تک خانوارهای ساکن در محدوده دهک‌های چهارم و پنجم، در همین محدوده خانواده ۳ نفری است. اگر گزارش مرداد ماه سازمان هدفمندی که بر پایه آن، یک میلیون و ۳۵ هزار و ۷۰۱ خانوار با تعداد جمعیتی معادل ۳ میلیون و ۶۶ هزار و ۳۳۴ نفر از جمعیت یارانه‌گیر در دهک‌های چهارم تا پنجم حذف شده‌اند را ملاک بگیریم، این نتیجه‌ی ناخوشایند رسید که اکثریت قریب به اتفاق هدف‌شدگان از یارانه، جزو همین خانوارهای سه نفره و کمتر بوده‌اند.

داستانی که تازه شروع شده

مرداد ماه امسال و با حذف بیش از ۳ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر، دولت توانسته حدود یک همت صرفه جویی کند. در حالی که به طبقه گزاشی که به هم منتهی سال ۱۴۰۲ از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی منتشر شد، کسری بودجه سازمان هفتمندسازی یارانه‌ها برای سال جاری (۱۴۰۴) ۲۲۰ همت برآورد شده بود. حذف این ۲۲۰ هزار جمعیت از پایان سال، البته فقط ۸ همت از ۲۲۰ هزار جمعیت از تومان کسری را پوشش می‌دهد لذا به نظر می‌رسد که مرداد ماه، آغاز راهی سه برای حذف تعداد بیشتری از یارانه‌گیرهای کشور، چنانچه به‌تازگی «حسن نوروزی» رئیس سازمان هفتمندی اعلام کرده که براساس قانون بودجه سال ۱۴۰۴ یارانه امسال با همکاری وزارت رفاه سه دکت بالایی جامعه که در مجموع ۱۸ میلیون نفر می‌شوند؛ از مجموعه یارانه‌گیران حذف خواهند شد. به عبارت دیگر، باید در ماه‌های آتی منتظر حذف ۱۵ میلیون نفر علاوه دیگر از چرخه یارانه‌گیری در کشور باشیم، بلکه چاره‌نویس‌های کسری بودجه کشور، این گونه اندکی برپوشد.

پوریا محسن زاده
هفت صبح

علی اکبر ولایتی، مشاور رهبر انقلاب، در شبیکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «قرآن کریم ذوالقرنین در تحسین فرموده که مفسرین بزرگی نظیر علامه طباطبائی معتقدند همان کوروش کبیر است.»

سپس تصریح کرد: «بر اساس نوشته هروودت از زمان کوروش همواره قفقاز حاشیه امنیتی ایران بوده و برای جلودگیری از هجوم اقوام وحشی در آن جاسدی بنا کرده.» این سخنان، که در میانه بحران اخیر و پس از جنگ دوازده روزه بیان شد، پرسشی عمیق تر پیش روی ما می گذارد. چرا سیاستمداران در لحظات بحرانی به تاریخ و به ویژه به چهره‌هایی چون کوروش رجوع می کنند؟

تاریخ در بزرنگاه

تاریخ خیمه‌سوار برای ملت‌ها پناهگاهی بوده است. هرگاه جامعه‌ای با تهدیدهای بزرگ روبه‌رو می‌شود، به میراث فرهنگی و تاریخی خود بازمی‌گردد تا به‌استواری برای مقاومت بایابد. بزرگان، انسان‌ها را به ریشه‌ها می‌کشاند و ملت‌ها را وادار می‌کند از ذخیره حافظه جمعی خود نیرو بگیرند. ایران نیز از این قاعده مستثنای نیست. در دوران جنگ ایران و عراق، ارجاع اصلی گفتمان رسمی به عاشورا و کربلا بود. سید مجتبی‌المستشاری در دوش «تاریخ اسلام» و «فرق شهادت» استوار شد. اما در جنگ دوازده‌روزه اخیر، شاهد پررنگ شدن ارجاع به «ایران» بودیم. حتی رهبر انقلاب در دیداری به یکی از مذاکره‌م‌شهور گفت: «از ایران بخوان». این تغییر، نشان‌دهنده دگرگونی در شیوه بازخوانی تاریخ در لحظه‌ها با چهره‌ای است.

🔴 **کروش؛ از اسطوره باستانی تا سرمایه ملی**

شخصیت کوروش کبیر جایگاهی ویژه در حافظه ایرانی دارد. در منابع گوناگون و حتی در سنت‌های شفاهی و نامادینه اسلامی، و خرد معرفی شده‌است. در دوره پیش از انقلاب اسلامی، کوروش به نماد ایدئولوژیک دولت بدل شد و بخش‌های پرشکوهر پاشو سارگ و تخت جمشید برای نمادین‌سازی قدرت سیاسی برپا شد. امروزه در پی تحولات سیاسی این اندیشه به حاشیه رفت و نام او کمتر در کتاب‌های درسی و ادبیات رسمی آمد، چرا که نماد ملی‌گرای سکولار

بنداشته می‌شد. اکنون اما باز گشت اوردر کلام مقامی چون ولایتی معنایی تازه دارد. این تغییر رویکرد اگر تاکتیکی و ابزاری نباشد بیانگر تغییر نگرشی بنیادین است که استفاده از سرمایه‌های تاریخی را برای تقویت امنیت ملی ضروری می‌داند.

🔴 قفقاز؛ میراث گذشته، دغدغه امروز

اشاره و لایتنی به قفقاز صرفاً بازخوانی یک ریپلید باستانی نیست، بلکه به‌وضوح کوششی برای پیوند دادن تاریخ با سیاست امروز است. او می‌گوید از زمان کوروش، قفقاز کشایه ایران بوده است. این است. گزاره در واقع تکرار یک قاعده تاریخی است. امپراتوری ملی ایران همواره به شمال و قفقاز گره خورده است و در قرون اخیر نیز جنگ‌های ایران و روس، قراردادهای گلستان و ترکمانچای و حتی تحولات معاصر در قفقاز جنوبی، بارها این اهمیت را یادآور شده‌اند. رجوع به کوروش در چنین تاریخی به معنای بهره‌ر گرفتن از تاریخ به‌عنوان ستاد برای تشریح وضعیت ژئوپلیتیک ایران امروز است.

🔴 تاریخ: ابزار سیاسی یا سرمایه فرهنگی؟

اینجاست که پرسش اصلی مطرح می‌شود: آیا این بازگشت به کوروش و ایران باستان صرفاً ابزاری برای عبور از بحران است، یا نشانه از تغییری عمیق‌تر در نحوه حاکمیت به تاریخ این کشور حاکمت دارد؟ بازگشت به کوروش و ایران باستان صرفاً ابزاری برای عبور از بحران است، یا نشانه از تغییری عمیق‌تر در نحوه حاکمیت به تاریخ این کشور حاکمت دارد؟ فقط در نگاه‌ها مصرف شود، به بی‌اعتمادی عمومی دامن خواهد زد؛ زیرا مردم درمی‌یابند که میراث فرهنگی‌شان فقط به‌وقت ضرورت زنده می‌شود. اما اگر این بازگشت واقعی و صادقانه باشد، می‌تواند زمینه‌ای برای نوعی آشتی با بخش مغفول‌مانده هویت ایرانی هموار کند.

گسست تاریخی و شعله‌های
خاموش‌نشده فرهنگی

واقعیت آن است که در چهار دهه اخیر، تاریخ ایران گاه با ناروا‌ها و بی‌مهری‌هایی روبه‌رو شد. بخش بزرگی از میراث باستانی در حاشیه قرار گرفت و رولت رسمی کوشید پیوندهای چند هزار ساله را به رایت‌های مودرتوسی فروبکشد که نتیجه آن گسستی در ذهن جامعه بود که می‌بای کشور به بیش از ۲۰۰۰ سال تاریخ متکبر دارد، سرمایه‌ای که در جهان بی‌تغییر است و بسیاری از کشورهای نوزاد امروزی آرزو و حسرت درهای آن

دارند و به تاریخ‌سازی جعلی روی می‌آورند. نسلی که کمتر در کتاب‌های درسی از کوروش و داریوش شنید و بیشتر تنها با روایت‌های گزینشی آشنا شد. با فرهنگ ایرانی چنان روبه‌راده‌ار است که هیچ مطالعه محدود نکننده‌ای توانست آن را به محاق بیند. بین‌هایی چون نوروز و پلدا، مهرگان و سده حتی بان و ادب فارسی، همچون شعله‌هایی گرم و زنده، ندیشه ایرانی را در بدن جامعه پویا نگاه داشتند. این آیین‌ها تنها خاموش نشدند بلکه به پای‌های ماندگار پیوند نسل‌ها شد. هر نوروزی که سفره هفده‌سین گذارده می‌شود، هر شبی از پلدا که چراغی روشن می‌ماند، جامعه را دیگر یادآوری می‌کند که هویت تاریخی‌اش از هر روایت رسمی فراتر است. همین تداوم فرهنگی، سرمایه‌ای است که امروز می‌تواند زمینه‌ساز اشتیاق دوباره با تاریخ و سازاری اعتماد ملی شود.

فرهنگ تاریخی برابر بحران اجتماعی

گاهی تاریخی فقط یک بحث دانشگاهی نیست، بیرونی است که می‌تواند جامعه را برابری برانجام دهد. من فکر می‌کنم که ما باید به تاریخ خود را برای هم‌نشاندن و تقویم کنند. ما باید، اعتماد به نفس بیشتری برای عبور از تهدیدهای می‌یابند. در مقابل، مردمی که پیوندی داشته‌اند ندارند، برابری برانجام می‌دهند. این امر امروز بیش از هر زمان دیگر به چنین آگاهی تاریخی نیاز دارد. برابری برای اقتصادی، تهدیدهای منطقه‌ای و فشارهای اجتماعی، جامعه را فرسوده کرده است. بازگشت به تاریخ می‌تواند همچون سبزی فرهنگی عمل کند، به شرطی که این بازگشت صادقانه و پایدار و نه مقطعی و تاکتیکی باشد.

تاریخ به مثابه سرمایه مشترک

سخنران ولایتی را می‌توان شش نمونه خوار و رفار، سیاستپور در دوره اخیر دید؛ نه به‌خاطر ارزش علمی آن درباره خورشید و ذرات فلزین، بلکه به‌دلیل دلیلی علمی که گفتیم: کارش و غیر آن را از کارش تا امروز سرمایه مشترک همه ایرانیان است، این سرمایه که به‌عنوان بل و وحدت شناخته‌شده، می‌تواند نیروی عظیم برای توسعه و بازسازی ایران باشد. اما اگر همچنان متوجهان در روزهای سخت احضار شود، سرمایه‌های خود را که به‌جای ایجاد اعتماد، بی‌اعتمادی خواهد آفرید.



چگونه معادلات تجاری در منطقه قفقاز تغییر می کند؟

نبرد اقتصادی در زنگزور

تعامل سازنده با ارمنستان، گرجستان و آذربایجان سهم ایران از ترانزیت قفقاز را حفظ می کند. مسیرهای جدید تحت نفوذ آمریکا و ترکیه، ایران را به حاشیه می راند



مونا موسوی
هفت صبح

با امضای توافقنامه سه جانبه بین، ارمنستان، آذربایجان و آمریکا ایران ناگزیر است راهبردهای ترانزیتی خود در منطقه قفقاز را بازتعریف کند. در سال های اخیر زنگزور به عنوان یکی از مسیرهای بالقوه ترانزیتی مطرح بوده و اکنون با ورود آمریکا به این معادله، از یک مسیر منطقه ای به یک ابزار رقابت جهانی بدل شده است. در سوی مقابل، یکی از گزینه های پیش رو، تقویت مسیرهای جایگزین مانند کریدور شمال-جنوب است که از بندر چابهار آغاز شده و از طریق خاک ایران به روسیه و اروپا متصل می شود. این مسیر با حمایت هند و روسیه ظرفیت رقابت با مسیر زنگزور را دارد، به ویژه اگر ایران بتواند زیرساخت های ریلی و جاده ای خود را به روز کرده و موانع گمرکی را کاهش دهد.

زنگزوری که فرصت بود

در سال های اخیر، کریدور زنگزور از سوی برخی بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای به عنوان یکی از مسیرهای بالقوه برای عبور از محدودیت های ناشی از تحریم های آمریکا مورد توجه قرار گرفت. این مسیر که آذربایجان را از طریق خاک ارمنستان به نخجوان و سپس به ترکیه و اروپا متصل می کند، می توانست برای کشورهای ناظر ایران و روسیه بستری فراهم آورد تا بخشی از مبادلات تجاری خود را از طریق مسیرهایی کمتر تحت نظارت غرب سامان دهند. برای ایران، زنگزور از منظر ترانزیت کالا به اروپا و قفقاز جنوبی، یک مسیر مکمل و راهبردی تلقی می شد که در شرایط تحریمی، ظرفیت کاهش فشارهای لجستیکی و اقتصادی را دارا بود. نزدیکی جغرافیایی ایران به این کریدور و روابط دوجانبه با ارمنستان و آذربایجان نیز امکان بهره برداری عملی از این مسیر را تقویت می کرد.

زنگزوری که تهدید شد

با این حال، ورود رسمی ایالات متحده به فرآیند توسعه و مدیریت زیرساخت های کریدور زنگزور، معادلات پیشین را دگرگون کرده است. طبق توقافات جدید، آمریکا به مدت ۹۹ سال مسئولیت توسعه و کنترل زیرساخت های کلیدی این مسیر از جمله خطوط ریلی، نفتی، گازی و ارتباطی را برعهده خواهد داشت. این حضور نه تنها جنبه اقتصادی دارد، بلکه به نوعی نظارت امنیتی و اطلاعاتی بر جریان کالاها و ارتباطات منطقه ای را نیز در پی خواهد داشت. در نتیجه، تثبیت نقش آمریکا در زنگزور، امکان بهره برداری ایران از این مسیر به عنوان راهی برای عبور از تحریم ها را به شدت محدود می سازد.

نظارت غربی بر این کریدور، احتمال عبور کالاها ی تحریمی یا احساس را کاهش داده و در مقابل، مسیرهای جایگزین نظیر کریدور شمال-جنوب یا مسیرهای شرقی از طریق آسیای مرکزی، اهمیت بیشتری می یابند. به بیان دیگر، زنگزور که پیش تر به عنوان یک فرصت ژئوپلیتیکی برای ایران مطرح بود، اکنون به نقطه ای از فشار و محدودیت بدل شده است که می تواند نقش تهران در تجارت منطقه ای را تحت تأثیر قرار دهد.

لزوم فعال شدن دیپلماسی منطقه ای

مشخص است که در این شرایط دیپلماسی منطقه ای ایران باید فعال تر شود. تعامل سازنده با ارمنستان، گرجستان و حتی آذربایجان می تواند به حفظ سهم ایران از ترانزیت منطقه قفقاز کمک کند و در غیر این صورت، مسیرهای جدید تحت نفوذ آمریکا و ترکیه، ایران را به حاشیه خواهند راند و نقش آن در تجارت اوراسیا به شدت محدود خواهد شد چون احتمال ایجاد استانداردهای جدید گمرکی و امنیتی وجود دارد که می تواند نفوذ روسیه و ایران را در مدیریت مسیر کاهش دهد. دوم، مسیرهای ترجیحی ترانزیت ممکن است تغییر کنند؛ طوری که کشورهای اروپایی و آسیای مرکزی مسیر زنگزور را به عنوان جایگزین مسیرهای ایران با روسیه انتخاب کنند. سوم، موقعیت ایران در ترانزیت منطقه ای تضعیف خواهد شد و احتمال دور زدن مسیرهای سنتنی ایران توسط شرکت های بین المللی افزایش می یابد.

۱۵۰ سالگی که شاید آب ببرد

در حال حاضر، ترکیه با سهم حدود ۴۵ درصدی از کل ترانزیت کالا در این مسیر، بیشترین بهره بردار منطقه محسوب می شود. این کشور با حمایت از آذربایجان و سرمایه گذاری در زیرساخت های نخجوان، توانسته جایگاه خود را تثبیت کند. روسیه نیز با سهمی حدود ۴۰ درصدی، همچنان یکی از بازیگران اصلی ترانزیت است، هرچند تحریم های غرب و رقابت با ترکیه سهم آن را کاهش داده است. ایران با وجود نزدیکی جغرافیایی و ظرفیت های بالقوه، تنها حدود ۱۵ درصد از ترانزیت این مسیر را در اختیار دارد. محدودیت های زیرساختی، رقابت ژئوپلیتیکی و نبود توقافات جامع با ارمنستان و آذربایجان از جمله دلایل این سهم محدود هستند.

مهار دوگانه ایران و روسیه

در سطح کلان، ورود آمریکا به کریدور زنگزور را می توان بخشی از راهبرد واشنگتن برای مهار نفوذ روسیه و ایران در قفقاز دانست. این حضور نه تنها جنبه اقتصادی دارد بلکه به نوعی بازتعریف نظم امنیتی

سیاست های منطقه ای خود ببر دارند، دیپلماسی چندجانبه را تقویت کنند و با ارائه گزینه های اقتصادی و ترانزیتی جذاب، رقابت پذیری خود را افزایش دهند. در غیر این صورت، کریدور زنگزور به تدریج به سکوی تثبیت نفوذ غرب بدل خواهد شد و ایران و روسیه در حاشیه نظم جدید قفقاز قرار خواهند گرفت.

روایت خود را بسازیم

یکی از مهم ترین اقدامات می تواند تمرکز بر دیپلماسی اقتصادی منطقه ای باشد؛ به ویژه با کشورهایی که در مسیرهای جایگزین نقش کلیدی دارند. تقویت روابط ایران با هند، روسیه و کشورهای آسیای مرکزی، به ویژه در قالب سازمان های مانند اکو و شانگهای، می تواند به ایجاد هم افزایی در توسعه مسیرهای ترانزیتی کمک کند. ایران

باید نقش خود را در پروژه های چندجانبه مانند کریدور بین المللی پررنگ تر کند و با تسهیل فرآیندهای گمرکی، کاهش تعرفه ها و توسعه زیرساخت های لجستیکی، جذابیت مسیرهای داخلی خود را برای ترانزیت منطقه ای افزایش دهد. از منظر رسانه ای و افکار عمومی نیز لازم است ایران روایت خود را از تحولات قفقاز بازتعریف کند. در شرایطی که آمریکا و ترکیه با بهره گیری از ابزارهای رسانه ای و دیپلماسی عمومی، جایگاه خود را تثبیت می کنند، ایران باید نگاه منطقه ای و بین المللی را نسبت به ظرفیت های ترانزیتی خود تغییر دهد.

زنگزور به مثابه هشدار راهبردی

تحولات اخیر در کریدور زنگزور را باید به عنوان یک هشدار راهبردی برای ایران تلقی کرد. این مسیر دیگر صرفاً یک پروژه حمل و نقل نیست، بلکه به بستری برای بازتعریف نفوذ سیاسی، اقتصادی و امنیتی در قفقاز تبدیل شده است. کشورهایی که بتوانند در این رقابت چندلایه حضور مؤثر داشته باشند، نه تنها سهم بیشتری از تجارت منطقه ای خواهند داشت بلکه در شکل دهی به نظم آینده قفقاز نیز نقش آفرین خواهند بود. ایران اگر بخواهد از حاشیه نشینی در این رقابت ها رها نشود، به ویژه آنکه ارمنستان به تهران و مسکو فاصله گیری از وابستگی سنتی به تهران و مسکو است و به دنبال تنوع بخشی به روابط خارجی خود است. بر این اساس، چشم انداز استفاده از زور یا فشار مستقیم از سوی ایران و روسیه برای تغییر مسیر همکاری های واشنگتن با بازیگران قفقاز، هم محدود است و هم پرهزینه و عاقلانه تر آن است که این دو کشور به جای تقابل، به بازآرایی

ایران البته با محدودیت های بیشتری مواجه است. تهران طی سال های اخیر کوششید با گسترش همکاری های اقتصادی و ترانزیتی با ارمنستان و آذربایجان، جایگاه خود را در منطقه تثبیت کند اما این روابط شکننده و تحت تأثیر رقابت های بزرگ تر هستند. توسل به زور، چه در قالب تهدیدات نظامی و چه فشارهای سیاسی، به تنها احتمالاً با واکنش منفی جامعه جهانی روبه رو خواهد شد، بلکه می تواند به انزوا ی بیشتر ایران در ساختار منطقه ای منجر شود، به ویژه آنکه ارمنستان در حال فاصله گیری از وابستگی سنتی به تهران و مسکو است و به دنبال تنوع بخشی به روابط خارجی خود است.

بر این اساس، چشم انداز استفاده از زور یا فشار مستقیم از سوی ایران و روسیه برای تغییر مسیر همکاری های واشنگتن با بازیگران قفقاز، هم محدود است و هم پرهزینه و عاقلانه تر آن است که این دو کشور به جای تقابل، به بازآرایی



نیست؛ زیرا حضور اقتصادی آمریکا می تواند استانداردهای گمرکی جدیدی تحمیل کند و سهم ایران از ترانزیت قفقاز را – که اکنون حدود ۱۵ درصد است – به شدت کاهش دهد. به گفته عراقچی، این مسیر می تواند دسترسی ایران به بازارهای اروپایی را مسدود کند و فر هنگی و سیاسی همراه بود، بیش از هر چیز بر جنبه های تجاری مرزی تمرکز داشت. هیئت تجار ایرانی به ایروان اعزام شده تا تهاات کالا و حضور شرکت های ایرانی در بازار ارمنستان را گسترش دهد، که می تواند حجم تجارت دوجانبه را از سطح فعلی حدود ۵۰۰ میلیون دلار به ارقام بالاتر برساند. این اقدام، در شرایط تحریم های غربی، به عنوان ابزاری برای دور زدن محدودیت های مالی عمل می کند و درآمدهای ارزی ایران را از طریق صادرات محصولات کشاورزی و صنعتی افزایش می دهد. با این حال، سایه زنگزور بر این روابط اقتصادی سنگینی می کند. عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، در اظهارات قاطع خود یک روز پیش از سفر، تأکید کرد که تغییرات ژئوپلیتیک در منطقه غیرقابل قبول است. او با اشاره به توافق واشنگتن، هشدار داد که کنترل ۹۹ ساله کریدور توسط شرکت های آمریکایی، نه تنها مزایای ایران را تهدید می کند، بلکه جریان ترانزیت کالا را به سمت رقبای غربی سوق می دهد. عراقچی افزود که دبیر شورای امنیت ارمنستان اطمینان داده هیچ نیروی آمریکایی یا شرکت امنیتی خصوصی غربی در ارمنستان مستقر نخواهد شد، اما این تضمین ها کافی

سفر مسعود پزشکیان به ارمنستان، همزمان با توافق اخیر ایروان و باکو بر سر گذرگاه زنگزور، فرصتی حیاتی برای تقویت پیوندهای اقتصادی ایران با همسایگان فراهم آورد. این سفر، که با امضای ۹ تفاهم نامه در حوزه های فرهنگی و سیاسی همراه بود، بیش از هر چیز بر جنبه های تجاری مرزی تمرکز داشت. هیئت تجار ایرانی به ایروان اعزام شده تا تهاات کالا و حضور شرکت های ایرانی در بازار ارمنستان را گسترش دهد، که می تواند حجم تجارت دوجانبه را از سطح فعلی حدود ۵۰۰ میلیون دلار به ارقام بالاتر برساند. این اقدام، در شرایط تحریم های غربی، به عنوان ابزاری برای دور زدن محدودیت های مالی عمل می کند و درآمدهای ارزی ایران را از طریق صادرات محصولات کشاورزی و صنعتی افزایش می دهد. با این حال، سایه زنگزور بر این روابط اقتصادی سنگینی می کند. عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، در اظهارات قاطع خود یک روز پیش از سفر، تأکید کرد که تغییرات ژئوپلیتیک در منطقه غیرقابل قبول است. او با اشاره به توافق واشنگتن، هشدار داد که کنترل ۹۹ ساله کریدور توسط شرکت های آمریکایی، نه تنها مزایای ایران را تهدید می کند، بلکه جریان ترانزیت کالا را به سمت رقبای غربی سوق می دهد. عراقچی افزود که دبیر شورای امنیت ارمنستان اطمینان داده هیچ نیروی آمریکایی یا شرکت امنیتی خصوصی غربی در ارمنستان مستقر نخواهد شد، اما این تضمین ها کافی



۷

ترکیه با تصاحب ۴۵ درصد از کل ترانزیت کریدور زنگزور، جایگاه نخست را در این مسیر راهبردی دارد؛ تنها ۱۵ درصدی، در حاشیه رقابت منطقه ای قرار گرفته است. ورود آمریکا به توسعه زیرساخت های این مسیر، تهران را ناگزیر به بازتعریف راهبردهای ترانزیتی خود کرده است

۷

با امضای توافقنامه سه جانبه میان ارمنستان، آذربایجان و آمریکا، کریدور زنگزور به بستری برای رقابت ژئوپلیتیکی بدل شده است. در مقابل، کریدور شمال-جنوب که از چابهار تا روسیه امتداد دارد، با حمایت هند و روسیه و ظرفیت ترانزیتی چندمیلیونی، می تواند جایگزینی برای مسیر تحت نفوذ غرب باشد

گزارش

از جهش گوشت قرم تا نایاب شدن حبوبات؛ نقش پررنگ واسطه ها در بازار مواد غذایی

دست دلان در سفره های مردم

گروه اقتصاد | افزایش قیمت گوشت قرمز، کمبود برخی حبوبات و حذف تدریجی لبنیات از سبد خانوارها، چالش های اقتصادی جدیدی را برای شهروندان ایرانی رقم زده است. در حالی که عرضه دام در فصل تابستان افزایش یافته، قیمت گوشت گوساله با ۱۷ درصد رشد در کمتر از یک ماه، به ۸۲۰ هزار تومان رسیده است. این گزارش، بر اساس داده های میدانی از بازارهای تهران و شهرهای بزرگ، وضعیت قیمت کالاهای اساسی را بررسی می کند. میادین میوه و تره بار، با عرضه ارزان تر تا ۲۳ درصد، راهکاری برای کاهش فشار بر بودجه خانوارها ارائه می دهند.

گوشت قرمز: افزایش غیرمنتظره قیمت ها

بازار گوشت قرمز در هفته های اخیر شاهد نوسانات قابل توجهی بوده است. هر کیلوگرم شقه گوسفندی بین ۷۹۰ تا ۸۰۰ هزار تومان و ران گوسفندی بین ۱۰۲ تا ۱۰۳ میلیون تومان قیمت گذاری شده است. گوشت ران گوساله، با افزایش ۱۷ درصدی از ۶۹۰ تا ۷۰۰ هزار تومان در ابتدای مرداد به ۸۱۰ تا ۸۲۰ هزار تومان رسیده است. گوشت سردست گوساله بین ۷۶۰ تا ۷۷۰ هزار تومان، گوشت منجمد گوساله ۴۹۹ تا ۵۲۵ هزار تومان، و گوشت چرخ کرده مخلوط ۵۹۵ تا ۶۵۰ هزار تومان است. کله پاچه نیز با قیمت ۸۵۰ هزار تومان به فروش می رسد. این افزایش قیمت ها، با وجود عرضه فراوان دام در فصل تابستان، غیرمنطقی به نظر می رسد. در اسفند سال گذشته، مزاد دام سنگین در کشور گزارش شد، اما بخشی از این دام ها از طریق قاچاق به کشورهای همسایه مانند عراق منتقل شدند

بازار مرغ و ماهی: ثبات شکننده

بازار مرغ و ماهی، در مقایسه با گوشت قرمز، ثبات نسبی را تجربه می کند، اما افزایش های جزئی همچنان فشار بر مصرف کنندگان وارد می کند. هر کیلوگرم مرغ کامل ۱۲۹ هزار تومان، ران مرغ بدون کمر ۱۲۱ هزار تومان و ران با کمر ۹۸ هزار تومان است. گوشت چرخ کرده مرغ ۱۹۰ هزار تومان و تخم مرغ شانه ۲۰ تایی بین ۱۱۰ تا ۱۵۰ هزار تومان عرضه می شود، در حالی که تخم مرغ بسته بندی ۲۰ تایی ۱۲۷ هزار تومان قیمت دارد. در بخش ماهی، قزل آلا با افزایش ۴ درصدی به ۲۴۸ هزار تومان رسیده، اما میگو تازه با ۶۹۰ هزار تومان ثابت مانده است. این ثبات نسبی، نتیجه عرضه پایدار طیور است، اما هزینه های بالای خوراک دام و حمل و نقل، مانع کاهش قیمت ها شده است.

لبنیات: کاهش مصرف و تهدید سلامت

بازار لبنیات، اگرچه در دو هفته اخیر بدون تغییر قیمت بوده، از ابتدای سال با افزایش های پلکانی مواجه شده است. کره حیوانی ۵۰ گرمی ۳۱ تا ۳۶ هزار تومان، ۱۰۰ گرمی ۶۰ تا ۶۸ هزار تومان، و خامه استریل ۲۰۰ گرمی ۵۵.۵ تا ۶۸ هزار تومان است. شیر پتری کم چرب ۳۷ هزار تومان و پر چرب ۴۴ هزار

تومان قیمت گذاری شده است. سرانه مصرف لبنیات در ایران، طبق آمار رسمی ۱۲۰ کیلوگرم است، اما برخی تولید کنندگان این رقم را ۵۰ کیلوگرم تخمین می زنند، در حالی که استاندارد جهانی ۲۴۰ کیلوگرم است. تولید شیر با پارانه دولتی به ۱۴۵ کیلوگرم می رسد، اما افزایش قیمت ها، بسیاری از خانوارها را وادار به حذف لبنیات از سبد غذایی کرده است. کاهش مصرف لبنیات، به ویژه در میان کودکان، می تواند هزینه های اجتماعی و اقتصادی بلندمدتی به دنبال داشته باشد.

حبوبات و غلات: کمبود عرضه و افزایش قیمت

بازار حبوبات با چالش کمبود عرضه مواجه است. لوبیا چیتی در بسیاری از فروشگاه ها موجود نیست و لوبیا سفید با عرضه محدود ارانه می شود. لوبیا قرمز بسته بندی ۸۰۰ گرمی ۳۲۱.۵ هزار تومان، عدس ۹۰۰ گرمی ۲۱۹.۹ هزار تومان، نخود ۹۰۰ گرمی ۲۲۷.۹ هزار تومان و لپه ۹۰۰ گرمی ۳۰۳.۹ هزار تومان است. در بخش غلات، برنج هاشمی کشت اول با ۲۰ درصد افزایش به ۲۴۰ هزار تومان رسیده، در حالی که برنج هندی ۱۰ کیلو ۵۶۹.۳۵ هزار تومان ثابت مانده است. ماکارونی ۵۰۰ گرمی ۳ هزار تومان، قند ۸۹ هزار تومان، شکر ۶۹ هزار تومان، روغن آفتابگردان ۱.۶ لیتری ۱۵۷.۵ هزار تومان، و رب گوجه ۸۰۰ گرمی ۹۷ تا ۹۹.۹ هزار تومان است. این افزایش ها، به ویژه در برنج و حبوبات، نتیجه وابستگی به واردات و نوسانات ارزی است.

میدان تره بار: راهکاری برای کاهش هزینه ها

میدان میوه و تره بار، به عنوان گزینه ای مقرون به صرفه، تخفیف های قابل توجهی ارائه می دهند. گوشت گوسفندی با ۲۳ درصد تخفیف (حدود ۶۰۰ هزار تومان)، گوشت گوساله با ۲۰ درصد (۶۵۰ هزار تومان)، مرغ با ۱۶ درصد (۱۰۸ هزار تومان)،



تخم مرغ شانه ۲ کیلو با ۱۸ درصد، حبوبات با ۱۹ درصد، برنج داخلی با ۹ درصد، قند با ۳ درصد و شکر با ۷ درصد ارزان تر از فروشگاه های سطح شهر عرضه می شوند. این میدان، با حذف واسطه ها، هزینه های خانوارها را کاهش داده و به حفظ قدرت خرید کمک می کند. گسترش این میدان و تقویت نظارت بر زنجیره تأمین، می تواند تورم کالاهای اساسی را مهار کند.

سه سناریو پیش روی تهران و تروئیکای اروپایی

ایران، اروپا و بازی بازمان

همگرایی تهران و مسکو و بازتابی از نگرانی مشترک درباره الگوی غربی در استفاده ابزاری از نهادهای بین‌المللی است

حسین قاطمی
هفت صبح**سعید خطیب‌زاده:**
هر مذاکره آینده برای ایران یک «مذاکره مسلح» خواهد بود**عراقچی و «سرگئی لاروف» وزیر خارجه روسیه، در همین بستر زمانی واجد اهمیت ویژه است. هر دو طرف بر نقض فاحش قطعنامه ۲۲۳۱ توسط اروپا و آمریکا تأکید کرده و بر ضرورت خاتمه این قطعنامه در موعد مقرر پافشاری کرده‌اند. از نگاه ایران، حمایت روسیه و چین به‌عنوان دو عضو دائم شورای امنیت، وزنه‌ای حیاتی برای جلوگیری از یک‌جانبه‌گرایی غرب محسوب می‌شود. همگرایی تهران و مسکو در این مقطع، نه صرفاً ناشی از مناسبات سنتی دو کشور، بلکه****دپلماتی «مسلح» ایران و هشدارهای صریح تهران**
اظهارات «سعید خطیب‌زاده» معاون وزیر خارجه، درباره اینکه هر مذاکره آینده برای ایران یک «مذاکره مسلح» خواهد بود، بازتابی از نگاه محتاط و بی‌اعتماد تهران به غرب است. او با اشاره به حمله اخیر به تأسیسات هسته‌ای تأکید کرد که اعتماد به روند مذاکرات به‌شدت تضعیف شده و هرگونه بازگشت به گفت‌وگو تنها در صورتی معنا دارد که «خصوصت‌ها متوقف شوند».**رضانجفی:**
گفت‌وگوها در راستای تدوین شیوه‌نامه تعاملات مبتنی بر قانون مصوب مجلس ادامه خواهد داشت**تحلیلگران این وضعیت را نوعی «مدیریت تنش کنترل‌شده» توصیف می‌کنند؛ یعنی ایران با برجسته‌کردن خطوط قرمز، مانع از تصور ضعف می‌شود اما هم‌زمان راهی برای تعلیق بحران باقی می‌گذارد.**
از سوی دیگر، ایده تمدید شش‌ماهه مهلت ماشه به‌عنوان راه‌حل میانی مطرح شده است. این طرح اگرچه در ذات خود به معنای استمرار تهدید است اما می‌تواند فرصتی برای بازتنظیم معادلات دیپلماتیک ایجاد کند. پرسش اصلی آن است که آیا اروپا در این فاصله حاضر به بازاندیشی در نقش خود خواهد شد یا همچنان در مدار واشنگتن حرکت می‌کند.**گفت‌وگوی تهران و مسکو؛ همگرایی استراتژیک علیه فشار غرب**
به موازات آنچه گفته شد، تماس تلفنی میان**تماس‌های پر تنش با تروئیکای اروپایی؛ فشار ضرب‌الاجل یا فرصت مذاکره؟**

گفت‌وگوی تلفنی عصر جمعه گذشته میان وزرای خارجه سه کشور اروپایی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و عباس عراقچی، بار دیگر نشان داد که فاصله دیدگاه‌ها همچنان عمیق است. منابع غربی گزارش داده‌اند که این تماس با لحنی تقابلی آغاز شد و ایران صراحتاً مشروعیت اروپا در فعال‌سازی «اسنپ‌بک» را زیر سؤال برد. در مقابل، اروپایی‌ها با اشاره به زمان محدود، کوشیدند ایران را به پذیرش یک راه‌حل میانی ترغیب کنند. هر چند عراقچی بر مواضع اصولی ایران مبنی بر فقدان صلاحیت حقوقی اروپا تأکید داشت اما پیش‌نهادهای بیشتر منجر شود. وزرای خارجه در روزهای آینده نشانه‌ای از گشودن کانال دیپلماتیک است. این حرکت حاکی از آن است که تهران در عین موضع‌گیری سخت، نمی‌خواهد راه گفت‌وگو بسته شود.

گزارش

نگاهی به رزمایش موشکی و معادلات سیاسی – امنیتی پیش رو

هراس از آخرالزمان ایرانی

**ابعاد روانی و رسانه‌ای؛ «موشک آخرالزمان»**

بازتاب رسانه‌ای رزمایش، به‌ویژه در رسانه‌های اسرائیلی، اهمیت روانی و سیاسی آن را آشکار می‌کند. گزارش‌ها از آماده‌باش سستکام و بازشدن پناهگاه‌ها در اسرائیل حکایت دارند و رسانه‌های عبری، رزمایش ایران را شبهه‌سازی حمله‌ای بزرگ علیه خاک اسرائیل تفسیر کرده‌اند. موضوع «موشک آخرالزمان» یا «ستاخیر» که رسانه‌های اسرائیلی به آن پرداخته‌اند، نشان‌دهنده نگرانی جدی از ظرفیت ایران برای ضربه زدن به اهداف راهبردی در منطقه است. این پیام روانی، در کنار هشدار رسمی وزیر دفاع ایران مبنی بر پاسخ محکم به هر ماجراجویی دشمن، بخشی از استراتژی بازدارندگی ایران محسوب می‌شود. استفاده از رسانه و تبلیغ توانمندی‌های موشکی و پهپادی، به ایران امکان می‌دهد علاوه بر تقویت موقعیت نظامی خود، فشار روانی و سیاسی بر دشمنان را نیز افزایش دهد و از این طریق، موازنه وحشت و موازنه قدرت را تثبیت کند.

رزمایش به مثابه بازدارندگی راهبردی و پیام به دیپلماتی

رزمایش «اقتدار پایدار ۱۴۰۴» ابعاد راهبردی و دیپلماتیک نیز دارد. ایران با انجام این رزمایش، به دشمنان و همیمانان آنها نشان می‌دهد که توان پاسخ سریع و موثر به هر تهدید یا حمله احتمالی را دارد. تمرکز بر موشک‌های برد کوتاه و بلند، پهپادهای انهدامی و سامانه‌های جنگ الکترونیک، نشان‌دهنده نگاه چندلایه تهران به موازنه راهبردی است. این رزمایش، ضمن اینکه یک هشدار پیشگیرانه است، ابزاری برای افزایش قدرت چانه‌زنی ایران در عرصه دیپلماتی نیز محسوب می‌شود؛ زیرا توان نظامی قابل‌انکاف، موقعیت مذاکره‌ای را تقویت می‌کند. از سوی دیگر، واکنش رسانه‌ها و آماده‌باش نظامی اسرائیل و غرب، پیامگر تأثیر مستقیم رزمایش بر معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی است. این رزمایش، علاوه بر تقویت بازدارندگی نظامی، به عنوان یک عامل روانی و استراتژیک، جایگاه ایران در موازنه قوا و موازنه وحشت منطقه را تثبیت می‌کند و نشان می‌دهد که تهران برای هرگونه مرحله جدید تنش، آماده مقابله و واکنش سریع است.

رزمایش موشکی «اقتدار پایدار ۱۴۰۴» نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران نشان‌دهنده بازتعریف قدرت دریایی کشور پس از جنگ ۱۲ روزه اخیر با اسرائیل است. در این رزمایش، طیف گسترده‌ای از سامانه‌های موشکی شامل موشک‌های کروز دریایی «تصیر» و «قدیر»، موشک ساحل‌پایه و ضدکشتی «قادر» و پهپاد انهدامی «باور ۵» در شمال اقیانوس هند و دریای عمان شلیک شد. تحلیل دقیق سناریوهای تمرینی نشان می‌دهد که ایران به دنبال نمایش هماهنگی میان یگان‌های شناور سطحی و زیرسطحی، یگان‌های پروازی، سایت‌های ساحلی و دریایی و یگان‌های جنگالی است. انهدام هم‌زمان اهداف سطحی توسط ترکیبی از سامانه‌های مختلف، نویددهنده توانمندی ایران در عملیات‌های یکپارچه و پیچیده دریایی است. این سطح از هماهنگی و دقت عملیاتی، نه تنها قدرت بازدارندگی ایران را تقویت می‌کند، بلکه نشان‌دهنده توانمندی پاسخ سریع در صورت تشدید تنش‌ها با دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است.

پیام راهبردی رزمایش برای منطقه و فراتر از آن
برگزاری رزمایش در زمانی حساس، درست پس از جنگ مستقیم ۱۲ روزه با اسرائیل و مداخله محدود آمریکا، نشان‌دهنده تمایل ایران به تثبیت جایگاه خود در معادلات امنیتی منطقه است.

رسانه‌های بین‌المللی مانند رویترز و نیوزویک، بر این نکته تأکید کرده‌اند که رزمایش ایران، علاوه بر تقویت توان نظامی، حامل این پیام بازدارنده و راهبردی برای رقابت است که تهران آماده مدیریت هر مرحله جدید از رویارویی است و پاسخ شدید و هماهنگ به هرگونه اقدام خصمانه را تضمین می‌کند. این نمایش قدرت، ضمن تقویت موازنه قوا و موازنه تهدید به افزایش هزینه‌های هرگونه تجاوز احتمالی توسط اسرائیل و همیمانان غربی آن منجر می‌شود. تحلیلگران نظامی معتقدند که رزمایش‌های این‌چنینی، ابزار مهمی در ایجاد موازنه وحشت و جلوگیری از ماجراجویی‌های پیشدستانه دشمنان محسوب می‌شوند.

یادداشت

وقتی وفاداری و تعهد جایگزین تخصص می‌شود

پاکسازی بزرگ در پنتاگون

چندین فرمانده عالی‌رتبه نظامی و امنیتی کمتر از یکسال برکنار شده‌اند و این امر به بی‌اعتمادی و تردید گسترده میان نیروهای نظامی و امنیتی انجامیده است



گروه سیاسی | اخراج «جفری کروز» رئیس آژانس اطلاعات پنتاگون به همراه دو فرمانده ارشد دیگر از سوی وزیر دفاع آمریکا، تازه‌ترین حلقه از زنجیره «پاکسازی‌های سیاسی» در ساختار امنیتی ایالات متحده است. در ظاهر، دلیل برکناری کروز انتشار گزارشی درباره حملات اخیر آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران عنوان شده؛ گزارشی که بر خلاف روایت رسمی دولت ترامپ، مدعی نابودی کامل توان هسته‌ای ایران نبود بلکه تنها «عقب‌نشینی موقت» این توانایی‌ها را تأیید می‌کرد.

این اختلاف روایتی به‌خوبی نشان می‌دهد که شکاف میان نهادهای کارشناسی و روایت سیاسی دولت دوم ترامپ تا چه اندازه عمیق شده است. از نگاه کاخ سفید، هرگونه گزارش یا تحلیلی که با شعارها و ادعاهای سیاسی همخوانی نداشته باشد، نه تنها بی‌فایده بلکه تهدیدی علیه اقتدار رئیس‌جمهور تلقی می‌شود. به همین دلیل، اخراج‌ها پیام روشنی به بدنه امنیتی و نظامی دارند: وفاداری سیاسی بر شایستگی حرفه‌ای اولویت دارد. از سوی دیگر، این اقدامات در بستری انجام می‌شود که طی ماه‌های اخیر با محدود کردن مجوزهای امنیتی و کاهش نیروی انسانی در دفتر مدیر اطلاعات ملی همراه بوده است. به بیان دیگر، پاکسازی‌ها صرفاً فردی و موردی نیستند، بلکه بخشی از یک روند سیستماتیک برای بازطراحی ساختار اطلاعاتی آمریکا بر مبنای ملاحظات سیاسی ترامپ به شمار می‌آیند.

واکنش نهادهای سیاسی و پیامدهای نهادی

واکنش‌ها در کنگره به ویژه در میان دموکرات‌ها به سرعت بروز پیدا کرد. سناتور «مارک وارن» اخراج‌های اخیر را نشانه «عادت خطرناک دولت ترامپ» در استفاده از اطلاعات به‌عنوان «آزمون وفاداری» دانست. این نگرانی بی‌پایه نیست زیرا تغییرات گسترده در شورای امنیت ملی، برکناری ژنرال‌ها و درياسالاران ارشد در حالا تصفیه در بدنه اطلاعاتی، به تدریج استقلال نهادهای امنیتی آمریکا را زیر سؤال می‌برد.

اگرچه روسای جمهور پیشین نیز گاه در مسیر سیاسی خود دست به تغییراتی در سطح مقامات امنیتی زده‌اند اما گستره و شتاب این تحولات در دولت دوم ترامپ، تنها ظرف مدت چند ماه پس از بازگشت او به کاخ سفید بی‌سابقه است. هم‌اکنون در کمتر از یک سال، چندین فرمانده عالی‌رتبه نظامی و امنیتی برکنار شده‌اند و این امر در میان بدنه ارتش و سازمان‌های اطلاعاتی نوعی بی‌اعتمادی و تردید نسبت به ثبات مدیریتی ایجاد کرده است. از منظر نهادی، این وضعیت می‌تواند پیامدهای خطرناکی داشته باشد. ارتش و دستگاه اطلاعاتی آمریکا همواره خود را «فراسیاسی» معرفی کرده‌اند اما اکنون این مرز در حال کمرنگ شدن است. هرچه این مرز محو شود، امکان سیاسی شدن تصمیمات عملیاتی و امنیتی بیشتر می‌شود و این امر هم برای کارآمدی این نهادها و هم برای مشروعیت تصمیمات کاخ سفید هزینه‌ساز خواهد بود.

پیامدهای داخلی و بین‌المللی پاکسازی‌ها

در سطح داخلی، پاکسازی‌ها موجب شکاف عمیق‌تر میان کاخ سفید و نخبگان امنیتی و نظامی می‌شود. بسیاری از ژنرال‌ها و مقامات پیشین که تجربه‌های طولانی در مدیریت بحران دارند، اکنون یا کنار گذاشته شده‌اند یا با محدودیت‌هایی مواجه هستند که عملاً آنها را به حاشیه رانده است. این امر می‌تواند به کاهش کیفیت تصمیم‌سازی‌ها در حوزه‌های حساس از جمله پرونده ایران، چین و روسیه منجر شود.

در سطح بین‌المللی، چنین تحولات داخلی تصویری از بی‌ثباتی و عدم انسجام در سیاست امنیتی آمریکا به نمایش می‌گذارد. متحدان اروپایی که در موضوع ایران و سایر بحران‌ها به ارزیابی‌های دقیق دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا چشم دوخته‌اند، اکنون با این پرسش روبه‌رو هستند که آیا تحلیل‌های رسمی آمریکا واقعیت میدانی را بازتاب می‌دهد یا صرفاً تکرار ادعاهای سیاسی ترامپ است. این وضعیت می‌تواند به کاهش اعتماد میان آمریکا و متحدانش بینجامد.

افزون بر این، رقبای راهبردی آمریکا از جمله روسیه و چین به خصوص در میانه معادلات جنگ اوکراین و بحران تایوان نیز از این شکاف‌ها به نفع خود استفاده خواهند کرد. وقتی گزارش‌های کارشناسی کنار گذاشته می‌شوند و جای آنها را روایت‌های سیاسی می‌گیرند، احتمال تصمیمات شتاب‌زده و خطر بیشتر می‌شود. به عنوان نمونه، در پرونده ایران اگر توان هسته‌ای این کشور به‌درستی ارزیابی نشود، ممکن است کاخ سفید در محاسبات خود دچار خطاهایی شود که امنیت منطقه و حتی امنیت جهانی را به خطر اندازد.

پاکسازی‌های اخیر در پنتاگون و نهادهای اطلاعاتی آمریکا صرفاً یک تغییر مدیریتی نیست، بلکه نشانه‌ای از روندی عمیق‌تر است که بر مبنای آن «وفاداری سیاسی» بر «کارآمدی حرفه‌ای» اولویت می‌یابد. این روند هم در داخل آمریکا به کاهش اعتماد و کارایی نهادهای امنیتی منجر خواهد شد و هم در عرصه بین‌الملل به تضعیف اعتبار و انسجام سیاست خارجی این کشور خواهد انجامید. ادامه این مسیر، نه تنها چالش‌های داخلی برای دولت ترامپ را تشدید می‌کند، بلکه بر ثبات و امنیت جهانی نیز تأثیرگذار خواهد بود.



چهار گوشه جهان

| روزنامه صبح ایران | سال یازدهم | شماره ۲۱۲۳ | دوشنبه ۳ شهریور ۱۴۰۴ |

بشر چند شغله و نبرد برای بقا

بیش از ۲۳ درصد کارگران جهان، از جمله ۳۴ درصد کارگران خاورمیانه و آفریقا، در سال ۲۰۲۵ دست کم دو شغل دارند

رامتین لطیفی
دیر بین الملل

در جهانی که تورم افسار گسیخته هزینه‌های زندگی را به اوج رسانده و دستمزدها در جامی‌زند، میلیون‌ها نفر برای گذران زندگی به چندین شغل روی آورده‌اند. این پدیده که روزگاری استثنایی بود، اکنون به واقعیتی فراگیر تبدیل شده و از سوئیس تا آفریقا و آمریکا، کارگران را در چرخه‌ای از کاری‌وقفه گرفتار کرده‌است. گزارش مؤسسه‌ای‌دی‌پی در سال ۲۰۲۵ نشان می‌دهد که ۲۳ درصد کارگران جهان حداقل دو شغل دارند و این رقم در خاورمیانه و آفریقا به ۳۴ درصد می‌رسد. این روند نه تنها سلامت جسمی و روانی افراد را تهدید می‌کند، بلکه ساختارهای اجتماعی و اقتصادی جوامع را به چالش می‌کشد و پرستش‌هایی درباره آینده نظام‌های اقتصادی جهانی مطرح می‌کند.

ابعاد جهانی

آمار از یک بحران روبه‌رشد

داده‌های جهانی تصویری نگران کننده ترسیم می‌کنند. در ایالات متحده، ۸.۹ میلیون نفر، معادل ۵.۱ درصد نیروی کار، در مشاغل چندگانه مشغول‌اند. در سوئیس، براساس نظرسنجی کلار، ۱۸ درصد افراد دست کم دو شغل دارند و یک چهارم آن‌ها حتی سه شغل یا بیشتر را مدیریت می‌کنند. سازمان بین‌المللی کار (ILO) گزارش می‌دهد که شکاف شغلی جهانی از ۱۶ درصد در سال ۲۰۰۴ به ۹ درصد در ۲۰۲۴ کاهش یافته، اما این بهبود با افزایش مشاغل کم درآمد و ناپایدار همراه بوده است. در اروپا، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) اعلام کرده که نرخ اشتغال در سه‌ماهه اول ۲۰۲۵ به ۷۲.۱ درصد رسیده اما بسیاری از این مشاغل جدید، پاره‌وقت یا موقت هستند. در خاورمیانه و آفریقا، جایی که ۳۴ درصد کارگران چندین شغل دارند، تورم بالا و بی‌ثباتی اقتصادی فشار را دوچندان کرده است. گزارش صندوق بین‌المللی پول (IMF) در آوریل ۲۰۲۵ هشدار می‌دهد که بحران هزینه‌های زندگی می‌تواند ناآرامی‌های اجتماعی را تشدید کند. همچنین، گزارش کورن‌فری نشان می‌دهد که ۷۰ درصد

عکس روز

سگ‌های آهنی در خیابان‌های زوریخ

نخستین شهر اروپا که تحویل غذای سریع را به سگ‌های رباتیک مجهز به هوش مصنوعی سپرد



بجلونیک، مدیرعامل ربور، در توضیح این طرح گفته است: «همکاری ما با جاست‌ایت تصویری از آینده را نشان می‌دهد؛ آینده‌ای که در آن اتوماسیون و هوش مصنوعی به‌طور طبیعی در بافت زندگی شهری تنیده می‌شوند و دسترسی مردم به خدمات سریع‌تر و آسان‌تر خواهد شد.» این فناوری البته بحث‌های اجتماعی تازه‌ای را هم برانگیخته است. حامیان محیط‌زیست معتقدند ربات‌های تحویل‌دهنده می‌توانند وابستگی به خودروهای سوختی را کاهش دهند و جایگزینی پاک برای موتورهای پر سر و صدا باشند. از سوی دیگر، اتحادیه‌های صنفی نگرانند

که ورود ایس ربات‌ها به مرور فرصت‌های شغلی پیک‌های انسانی را کاهش دهد. برخی شهروندان نیز پرسش‌هایی درباره امنیت عابران، نحوه برخورد ربات‌ها با شرایط پیش‌بینی نشده یا حتی حفظ حریم خصوصی داده‌های موقعیت جغرافیایی مطرح کرده‌اند. زوریخ نخستین ایستگاه این تجربه است اما طراحان اعلام کرده‌اند تا پایان سال، سگ‌های آهنی در شهرهای دیگری از اروپا نیز دیده خواهند شد و حتی امکان دارد به فروشگاه‌های خرده‌فروشی و مراکز خرید راه پیدا کنند.

گاردین آمریکا می‌گوید تگزاس خود را برای تغییر نقشه انتخاباتی به نفع حزب جمهوری خواه آماده می‌کند و سناتورهای این اقدام تحریک‌کننده و خطرناک را به فیللی باستر یا طولانی کردن رسیدگی تهدید کرده‌اند.

لیبراسیون فرانسه، عکس و تیتیر اصلی خود را به اعلام رسمی فطعی در غزه توسط سازمان ملل اختصاصی داد و به دروغ‌های نخست‌وزیر و دولت‌مدان اسرائیلی پرداخت.

تexas prepares for final approval of Republican map as senator threatens to filibuster

Libération

GAZA LA FAMINE EST DÉCLARÉE



چهار روز

استودیوی برادران وارنر حقوق فیلمنامه‌ای را خریداری کرده که به یکی از مهم‌ترین لحظه‌های تاریخ بسکتبال می‌پردازد؛ روزی که کوبی برایانت با انتخاب هشتم در درفت ان‌بی‌ای ۱۹۹۶ سرنوشت این لیک را دگرگون کرد. این پروژه با عنوان «با انتخاب هشتم» روایتگر پشت پرده تلاش تیم نیوجرسی نتس برای جذب ستاره‌ای است که سرانجام پیراهن لیکرز را بر تن کرد. فیلم از دید مدیر وقت تیم، جان نش و مربی جوان، جان کالیبیری، روایت می‌شود؛ کسانی که در آستانه احیای سازمانی شکست‌خورده قرار داشتند. ترکیب جاه‌طلبی شخصی برایانت، قرارداد سودآورش با آدیداس و علاقه او به لیکرز، درامی واقعی را رقم زد که اکنون قرار است بر پرده سینما بازسازی شود. برایانت که در سال ۲۰۲۰ در سانحه سقوط بالگرد درگذشت، پیش‌تر با انیمیشن «بسکتبال عزیز» اسکار گرفته بود. او نه تنها یکی از بزرگ‌ترین بازیکنان تاریخ لیگ حرفه‌ای آمریکا بود، بلکه با مرگی ناهنگام به چهره‌ای اسطوره‌ای و تراژیک در حافظه جمعی ورزش جهان بدل شد.

پنگه دنیا

آفریقا، مقصد جدید مهاجران اخراجی آمریکا؟

اوگاندا به تازگی با آمریکا توافق برای پذیرش مهاجران غیرقانونی امضا کرده و به جمع کشورهایی چون اسواتینی، سودان جنوبی و رواندا پیوسته است

در حالی که سیاست‌های مهاجرتی سختگیرانه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، به یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات داخلی این کشور تبدیل شده، طرحی جدید توجه جهانیان را به خود جلب کرده است: انتقال مهاجران غیرقانونی از آمریکا به کشورهای آفریقایی. اوگاندا، جدیدترین کشوری است که با واشنگتن توافقی برای پذیرش مهاجرانی امضا کرده که به گفته وزارت امنیت داخلی آمریکا، به دلیل «فترت‌های به شدت غیرانسانی» حتی کشورهای خودشان حاضر به پذیرش آنها نیستند. این طرح که بخشی از وعده انتخاباتی ترامپ برای «بزرگ‌ترین عملیات اخراج در تاریخ آمریکا» است، پرسش‌های متعددی درباره منافع کشورهای آفریقایی، وضعیت حقوق بشر و پایداری این توافق‌ها ایجاد کرده است.

ویتنام، جامائیکا، لانوس، یمن و کوبا شد. این کشور که تحت حاکمیت پادشاه مسواتی سوم قرار دارد، با مشکلات عمیق حقوق بشری روبه‌روست. گزارش‌های سازمان دیده‌بان حقوق بشر و حتی وزارت امور خارجه آمریکا در سال ۲۰۲۳ نشان‌دهنده نقض گسترده حقوق بشر در این کشور است. در حالی که پادشاه در ناز و نعمت زندگی می‌کند، جمعیت ۱.۲ میلیون نفری اسواتینی در فقر و محرومیت زندگی می‌کنند. به همین دلیل، این تصمیم با خشم عمومی در اسواتینی مواجه شده است. مفلاندانا شونگو، فعال سیاسی این کشور به دویچه وله گفت: «ما مخالف آوردن مجرمان خطرناک به کشورمان هستیم، جایی که آنها با زندانیان جوان ما که هنوز شانس اصلاح دارند، مخلوط می‌شوند.»

میزبان بزرگ پناهجویان اما با ظرفیت محدود اوگاندا

اوگاندا که هم‌اکنون میزبان حدود ۱.۷ میلیون پناهجو و پناهنده است، بزرگ‌ترین جمعیت پناهجوی قاره آفریقا را در خود جای داده است. این پناهجویان که به‌طور عمده از کشورهای همسایه مانند جمهوری دموکراتیک کنگو، سودان جنوبی و سودان هستند، در کمپ‌های مختلف این کشور ساکن شده‌اند و اغلب به‌طور مسالمت‌آمیز با جوامع محلی هم‌زیستی دارند. با این حال، توافق جدید با آمریکا برای پذیرش مهاجران غیرقانونی، نگرانی‌هایی را در میان مردم اوگاندا ایجاد کرده است. دور کوس کیمونو، یکی از ساکنان کمپالا، پایتخت اوگاندا، به شبکه خبری دویچه‌وله گفته است: «اوگاندا کشوری مهمان‌نواز است اما ما همین حالا هم تحت فشار هستیم. اگر این مهاجران به کشور ما بیایند، مشکلی با تقسیم داشته‌هایمان نداریم اما دولت آمریکا چه کمکی به ما خواهد کرد؟» الکس واندا، شهروند دیگر کامپالا، نیز معتقد است که اوگاندا با میزبانی از تعداد زیادی پناهجو از کشورهای همسایه، دیگر ظرفیت پذیرش مهاجران جدید را ندارد. وزارت امور خارجه اوگاندا ابتدا این توافق را تکذیب کرد اما وینسنت باگیر، دبیر دائم این وزارتخانه، بعداً تأیید کرد که ایس‌یک «ترتیبات موقت» است. اوگاندا اعلام کرده مهاجران با سوابق کیفری یا افراد زیر سن قانونی را نمی‌پذیرد و ترجیح می‌دهد مهاجران آفریقایی‌تبار را بپذیرد. این شرط‌ها، پرسش‌هایی درباره هدف واقعی این طرح ایجاد کرده است.

پادشاهی با سابقه نگران‌کننده حقوق بشر

اسواتینی، آخرین پادشاهی مطلقه آفریقا، یکی دیگر از کشورهای است که در ماه ژوئیه ۲۰۲۵ پذیرای ۵ مهاجر از

کشوری جنگ‌زده و ناپایدار

سودان جنوبی، کشوری که همچنان درگیر جنگ

داخلی و بحران‌های انسانی است، نیز پذیرای مهاجران ارسانی از آمریکا شده است. ادموند یاکانی، رئیس‌انجمن سازمان‌های جامعه مدنی شرق آفریقا، به دویچه وله گفته جزئیات این توافق از مردم مخفی نگه داشته شده است. الکس واینز، رئیس برنامه آفریقا در اندیشکده چتم هاوس لندن، معتقد است که این توافق‌ها بیش از هر چیز به دلایل ژئوپلیتیکی انجام می‌شوند. او می‌گوید: «این کشورها به دنبال متنوع‌سازی روابط خود و جلب حمایت مالی و سیاسی دولت ترامپ هستند.»

پذیرش مهاجران با ادعای خیرخواهی

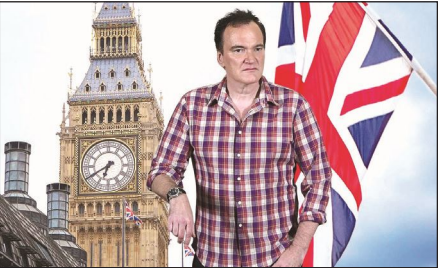
رواندا نیز اعلام کرده تا ۲۵۰ مهاجر از آمریکا را تحت شرایط خاصی می‌پذیرد. یولاند ماکولو، سخنگوی دولت رواندا،



صحنه‌های نمایش لندن در انتظار تارانتینو

کونتین تارانتینو، فیلمساز یابی و برنده دو جایزه اسکار، اعلام کرده نخستین نمایشنامه‌اش را در وست‌اند لندن روی صحنه خواهد برد؛ نمایشی که به گفته خودش می‌تواند سرنوشت هنری او را رقم بزند. او در گفت‌وگویی با پادکست «کلیسای تارانتینو» خبر داد که متن نمایشنامه به‌طور کامل نوشته شده و از ژانویه مقدمات کار آغاز می‌شود. اگر همه چیز طبق برنامه پیش برود، این اثر در سال ۲۰۲۷ نخستین اجرای جهانی خود را تجربه خواهد کرد. تارانتینو که اکنون ۶۲ سال دارد، گفته است برای نظارت نزدیک‌تر بر پروژه، در سال ۲۰۲۶ به بریتانیا نقل مکان خواهد کرد. او تأکید کرده اگر نمایش شکست بخورد «خیلی زود کنار خواهد کشید»، اما در صورت موفقیت، شاید اقتباس سینمایی همین اثر، واپسین فیلم او هم باشد؛ چرا که از سال‌ها پیش وعده داده پس از ساخت ۱۰ فیلم، در اوج خداحافظی کند. تارانتینو پیش‌تر فیلم «وزی روزگاری در هالیوود» را به نمایش صحنه‌ای بدل کرده بود و اخیراً نیز فیلمنامه دنباله‌ای بر همان اثر را نوشته است. «ماجراهای کلیف بوت» که قرار است دیوید فینچر برای نتفلیکس کارگردانی کند، او درباره این همکاری گفته: «به نظر من و فینچر بهترین کارگردانان امروز سینمای جهان هستیم و اینکه او بخواهد کار مرا اقتباس کند، نشان‌دهنده جدی گرفته شدن آثار من است.» او همچنین فاش کرده پروژه «منتقد سینما» را کنار گذاشته، چون برخلاف آثار پیشینش، شور و اشتیاقی پیرامون آن شکل نگرفته بود. از این رو این نمایش بیش از پیش انتظارها را برانگیخته است.

پروژن





سه چهارم درآمدهای نفتی در خسارت‌های محیط زیستی دود می‌شود

طبیعت را می‌سوزانیم

سالی ۳۴ میلیارد دلار

سکوت سیاستگذاران و خشکسالی ۸۵ درصدی کشور
تا سوختن سالانه ۴۷ هزار هکتار جنگل



حمید سلیمانی
هفت صبح



ایران با تنوع اقلیمی و اکولوژیکی چشمگیر، یکی از کشورهای دارای منابع طبیعی ارزشمند در منطقه خاورمیانه به شمار می‌رود. با این حال، در دهه‌های اخیر، فشارهای انسانی و اقلیمی متعددی از جمله خشکسالی‌های بی‌دری، کاهش سطح آب‌های زیرزمینی، فرسایش خاک، تخریب جنگل‌ها، آلودگی رودخانه‌ها و نابودی تالاب‌ها موجب کاهش چشمگیر ظرفیت‌های زیست‌محیطی کشور شده‌اند و در دل این شکوه طبیعی، صدای فروریختن پایه‌های محیط‌زیست هر روز بلندتر می‌شود. براساس گزارش مرکز ملی پایش خشکسالی در سال ۱۴۰۲، بیش از ۸۵ درصد از مساحت ایران با درجانی از خشکسالی مواجه است. همچنین سازمان حفاظت محیط‌زیست در سال ۱۴۰۰ اعلام کرد که بیش از نیمی از تالاب‌های کشور در وضعیت بحرانی قرار دارند. این فشارهای بی‌سابقه، اهمیت حفاظت و بهره‌برداری پایدار از خدمات اکوسیستم را به طور جدی نمایان کرده است. سالانه ۴۷ هزار هکتار جنگل طعمه آتش می‌شود، بیش از ۸۵ درصد خاک کشور زیر سایه خشکسالی قرار دارد و بهای تخریب طبیعت به ۳۴ میلیارد دلار در سال رسیده است؛ عددی تکان‌دهنده که سه‌چهارم درآمد نفتی ایران را می‌بلعد. این بحران خاموش، نه تنها زیستگاه‌ها که آینده معیشت و سلامت میلیون‌ها ایرانی را تهدید می‌کند.

از عملکردهای اکولوژیکی دریافت می‌کنند؛ از جمله خدمات تأمین‌کننده (مانند غذا و آب)، خدمات تنظیم‌کننده (نظیر تصفیه هوا و تنظیم اقلیم)، خدمات حمایتی (مانند چرخه مواد غذایی) و خدمات فرهنگی همچون (زیبایی‌شناسی، گردشگری و معنویت). به‌رغم اهمیت حیاتی این خدمات برای بقای بشر و ثبات اقتصادی، نظام‌های تصمیم‌گیری غالباً ارزش واقعی آنها را نادیده می‌گیرند و این غفلت سیستماتیک به تخریب فراپاینده اکوسیستم‌ها، کاهش تنوع زیستی و افزایش هزینه‌های پنهان توسعه منجر شده است. در ایران و با وجود برخورداری از تنوع زیستی چشمگیر و اکوسیستم‌های منحصر به‌فرد، فقدان چارچوب سیاستی یکپارچه برای ارزشگذاری خدمات اکوسیستمی، شتاب‌فزاینده‌ای به روند تخریب منابع طبیعی بخشیده است.

۲ | ایران: سرزمین انجام کارهای پرانکنده و نیمه‌کاره
در بخشی از این گزارش، به انتقاد از اقدامات پرانکنده و نیمه‌کاره‌ای پرداخته شده و آمده است: در ایران، اگرچه پروژه‌های پرانکنده‌ای مانند ارزشگذاری تالاب‌های هامون و انزلی، جنگل‌های زاگرس و خدمات منابع آبی در قالب همکاری‌های بین‌سازمانی انجام شده، اما این اقدامات به دلیل عدم پیوستگی نهادی و ضمانت‌اجرائی ناکافی، نتوانسته‌اند تأثیر ملموسی بر روند برنامه‌ریزی کلان کشور بگذارند. نمونه‌های بارز این ناکامی را می‌توان در بحران «دریاچه ارومیه» و تخریب «جنگل‌های حرای خلیج فارس» مشاهده کرد.

۴ | ارزش طبیعت؛ دو برابر تولید ناخالص جهان
در دو دهه اخیر، ارزش‌گذاری خدمات اکوسیستم به عنوان رویکردی نوین و مؤثر در مدیریت پایدار منابع طبیعی مطرح شده است. این مفهوم چارچوبی نظاممند فراهم می‌کند تا بتوان ارزش‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی خدمات ارائه شده توسط اکوسیستم‌ها را کمی‌سازی کرد و بدین ترتیب ارزش سنتی به سرمایه‌های طبیعی را متحول کرد. در سطح بین‌المللی، برنامه ارزیابی اکوسیستم هزاره در سال ۲۰۰۵ با همکاری بیش از ۱۳۰۰ کارشناس، اولین ارزیابی جامع جهانی از وضعیت خدمات اکوسیستم‌ها را ارائه و روند تغییرات ۲۴ خدمت عمده اکوسیستم را تحلیل کرد. این گزارش هشدارهایی جدی درباره پیامدهای تخریب محیط‌زیست و تهدیدهای پیش‌رو برای خدمات حیاتی ارائه داد. پس از آن، ابتکار اقتصاد اکوسیستم‌ها و تنوع زیستی در سال ۲۰۰۷ توسط برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد (UNEP) راه‌اندازی شد. این برنامه با هدف برجسته‌سازی ارزش اقتصادی تنوع زیستی و خدمات اکوسیستم، چارچوبی عملیاتی برای ادغام این ارزش‌ها در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و محیط‌زیستی فراهم کرده است. گزارش‌ها نشان دادند که نادیده گرفتن این ارزش‌ها سالیانه منجر به زیان‌های اقتصادی عظیمی می‌شود و گزارش‌های جهانی در سال ۲۰۱۹ هشدار داد که حدود یک میلیون گونه گیاهی و جانوری بر معرض انقراض قرار دارند که این مسئله می‌تواند تأثیرات مخربی بر خدمات اکوسیستم داشته باشد.

برای ارزش‌گذاری عملی، ابزارهای متعددی توسعه یافته که در یکی از آنها، ارزش اقتصادی ۱۷ خدمت اکوسیستم در سطح جهانی برآورد شده و نشان داده که این ارزش‌ها تقریباً دو برابر تولید ناخالص داخلی جهان است.

۵ | طبیعت را به حساب نمی‌آوریم
طبق گزارش بازوی پژوهشی مجلس شورای اسلامی: یک مطالعه انجام شده جهانی توسط سازمان حسابداری اقتصادی-محیطی (SEEA) نشان می‌دهد کشورهای مثل بریتانیا و آلمان که حسابداری سرمایه طبیعی را در قوانین مالی خود گنجانده‌اند، ظرف مدت پنج سال موفق به کاهش ۱۵- تا ۱۰ درصدی هزینه‌های ناشی از تخریب شده‌اند در حالی که ایران هنوز فاقد چنین سازوکاری است.

یکی از مشکلات اصلی این است که بخش‌هایی از صنعت و حتی برخی نهادهای بودجه‌ریز، ارزشگذاری اکوسیستم را «هزینه» و نه «سرمایه‌گذاری» تلقی می‌کنند. ولی براساس برآورد بانک جهانی، هزینه سالیانه تخریب محیط‌زیست در ایران معادل ۲ درصد تولید ناخالص داخلی است. بهمن سال سال گذشته صندوق بین‌المللی پول در گزارشی از میزان تولید ناخالص داخلی ۱۹۱ کشور جهان در سال ۲۰۲۴، میزان تولید ناخالص داخلی ایران براساس شاخص قدرت خرید در این سال را یک هزار و ۷۰۰ میلیارد دلار برآورد کرد. با این حساب، ما سالانه به دلیل تخریب محیط‌زیست خود، زبانی معادل ۳۴ میلیارد دلار را متحمل می‌شویم. این عدد وقتی بزرگی خود را نشان می‌دهد که بدانیم سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) کل صادرات نفت و درآمدهای نفتی ایران در سال ۲۰۲۴ را معادل ۴۶ میلیارد دلار اعلام کرد یعنی سه‌چهارم از درآمدهای نفتی هر ساله ایران، فقط با تخریب محیط‌زیست، دود می‌شود.

۶ | سالی ۳۴ میلیارد دلار تخریب محیط‌زیستی
مطابق آنچه گفته شد، براساس برآورد بانک جهانی، هزینه سالیانه تخریب محیط‌زیست در ایران معادل ۲ درصد تولید ناخالص داخلی است. بهمن سال سال گذشته صندوق بین‌المللی پول در گزارشی از میزان تولید ناخالص داخلی ۱۹۱ کشور جهان در سال ۲۰۲۴، میزان تولید ناخالص داخلی ایران براساس شاخص قدرت خرید در این سال را یک هزار و ۷۰۰ میلیارد دلار برآورد کرد. با این حساب، ما سالانه به دلیل تخریب محیط‌زیست خود، زبانی معادل ۳۴ میلیارد دلار را متحمل می‌شویم. این عدد وقتی بزرگی خود را نشان می‌دهد که بدانیم سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) کل صادرات نفت و درآمدهای نفتی ایران در سال ۲۰۲۴ را معادل ۴۶ میلیارد دلار اعلام کرد یعنی سه‌چهارم از درآمدهای نفتی هر ساله ایران، فقط با تخریب محیط‌زیست، دود می‌شود.

۷ | چشم‌انداز تیره پیش‌طبیعت ایران
اکوسیستم ایران در نتیجه فشارهای فزاینده انسانی از جمله بهره‌برداری پایدار، تغییر کاربری اراضی، بحران آب، تغییر اقلیم و آلودگی در حال تخریب جدی است. این تخریب عملکردهای حیاتی طبیعت را کاهش داده و امنیت غذایی و تاب‌آوری زیست‌محیطی کشور را به مخاطره انداخته است.

«مهدی زارع» استاد زمین‌شناسی در این باره نوشته است: ایران در حال حاضر دچار تنش شدید آب بوده و ۷۰ درصد از کشور با خشکسالی مزمن روبه‌رو است. سالانه حدود ۱۰۰ هزار هکتار زمین ایران به بیابان تبدیل می‌شود و زیستگاه‌ها را در فلات مرکزی و دشت کویر از بین می‌برد. در شمال، جنگل‌های هیرکانی که یک میراث جهانی در ایران هستند با قطع درختان و آتش‌سوزی مواجه‌اند و دریای کاسپین (خزر) ۲.۵ برابر سریع‌تر از اقیانوس‌های جهان در حال گرم شدن است. پیش‌بینی می‌شود که با ادامه روند موجود تا ۲۵ سال آینده دریاچه ارومیه کاملاً خشک شود و باعث طوفان‌های گرد و غبار و از بین رفتن گونه‌های انبوه در شمال غرب ایران شود. در ۴۰ سال آینده نیز بیش از نیمی از جنگل‌های زاگرس با تداوم وضع موجود از بین می‌روند و بیابان‌زایی را تسریع می‌کنند. همچنین کمبود آب جامع روستایی را بیش از پیش آواره کرده، فشار بر مناطق شهری را افزایش می‌دهد و تا پایان سده بیست و یکم پیش‌بینی می‌شود که دستکم نیمی از جنگل‌های هیرکانی تخریب شوند و گونه‌های بومی از بین بروند.

۸ | آخرالزمان محیط‌زیستی
بحران محیط‌زیست ایران دیگر یک هشدار دور دست نیست، واقعیتی عریان است که هم در حساب‌های اقتصادی و هم در زندگی روزمره خود را نشان می‌دهد. نابودی جنگل‌ها و تالاب‌ها، تشدید گردوغبار، کاهش امنیت غذایی و افزایش آوارگی روستاییان تنها بخشی از تبعات این بی‌توجهی است. جهان امروز به سوی حسابداری سبز و ارزش‌گذاری طبیعت پیش می‌رود، اما ایران همچنان در چرخه‌ای از طرح‌های نیمه‌کاره گرفتار مانده است. اگر تصمیم‌گیران این کشور نخواهند با نتوانند طبیعت را به عنوان سرمایه‌ای ملی به رسمیت بشناسند، فردای ایران نه به خشکسالی که به بی‌سرزمینی خواهد رسید.



سالانه ۴۷ هزار هکتار جنگل طعمه آتش می‌شود، بیش از ۸۵ درصد خاک کشور زیر سایه خشکسالی قرار دارد و بهای تخریب طبیعت به ۳۴ میلیارد دلار در سال رسیده است؛ عددی تکان‌دهنده که سه‌چهارم درآمد نفتی ایران را می‌بلعد

گاه‌شمار آتش‌سوزی منابع طبیعی در چهار ماه اول سال ۱۴۰۴

آتش در رگ‌های سبز ایران

آتش‌سوزی‌های گسترده در طبیعت ایران به بحران‌های عمیق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دامن می‌زند و مهاجرت درون اقلیمی را افزایش می‌دهد



در حالی که ایران با چالش‌های اقتصادی و اجتماعی دست و پنجه نرم می‌کند، شعله‌های آتش در دل طبیعت کشور زبانه می‌کشد و میراث سبز ایران زمین را به خاکستر تبدیل می‌کند. از فروردین تا تیر ۱۴۰۴، بیش از صدها هکتار جنگل، مرتع و تالاب در استان‌های مختلف طعمه حریق شده‌اند، آتش‌سوزی‌هایی که نه تنها اکوسیستم را نابود می‌کنند، بلکه می‌توانند به مهاجرت اجباری روستاییان، کمبود منابع غذایی و تشدید بحران‌های اجتماعی منجر شوند. این گزارش، روایتی است از فاجعه‌ای که در سکوت رسانه‌ها و غفلت عمومی، آینده نسل‌ها را تهدید می‌کند.

۹ | فروردین: تعطیلات نوروزی با طعم خاکستر
فروردین ۱۴۰۴ با بوی دود و خاکستر آغاز شد؛ ماهی که تعطیلات نوروزی در آن به جای شادی، فاجعه به بار آورد. دست‌کم ۱۵ مورد آتش‌سوزی گزارش شده در رسانه‌ها، عرصه‌های طبیعی کشور را در بر گرفت، اما آمار واقعی احتمالاً فراتر از این ارقام است. در گیلان، سرپرست منابع طبیعی اعلام کرد بیش از ۱۰۰ حریق سطحی توسط گردشگران بی‌احتیاط در جنگل‌های سرسبز استان رخ داده است. تصور کنید، خانواده‌هایی که برای پیکنیک آمده بودند، ناخواسته شعله‌هایی را برافروختند که چراگاه‌های روستای امامقلی دلفنارد در جیرفت را سوزاندند. آتش به پوشش گیاهی موته اصفهان رسید، نیزارهای تالاب هفت‌بزم شیراز را بلعید و باغ‌ها و نخل‌های سیاهو در بندرعباس را به کام خود کشید. پارک جنگلی پرفسور کردوانی در گرمسار دودآلود شد، نزدیک به پنج هکتار از نیزارهای پارک ملی دریاچه ارومیه در سهراهی حیدرآباد سوخت، نخلستان‌های حاجی‌آباد و باغ‌های روستای ماشاری بندرعباس نابود شدند. پناهگاه کیانکی در بلندی‌های خراوان و زرقان، سه هکتار از جنگل‌های یوش نور، ۱۲ هزار مترمربع از زمین‌های جنگلی تالش، لنگرود و لاهیجان، مراتع گوی‌داغ مشگین‌شهر و تالاب نورولو هم در این ماه قربانی شدند. این آتش‌ها نه تنها درختان را سوزاندند، بلکه معیشت کشاورزان محلی را تهدید کردند و می‌توانند به کاهش تولید محصولات کشاورزی و مهاجرت روستاییان بیانجامد.

۱۰ | اردیبهشت: آتش در بلندی‌ها و چراگاه‌ها زبانه می‌کشد
اردیبهشت، با شکوفه‌های بهاری‌اش، نتوانست از خشم آتش در امان بماند. ۱۹ مورد حریق گزارش شده، از بلندی‌های روستای چنارس در لوداب کهگیلویه و بویراحمد تا منطقه تنگ میشی در مرز خرامه و سروستان فارس، طبیعت را به چالش کشید. تصور کنید کشاورزانی که در روستای مورد غنار ایزد، زمین‌هایشان را می‌بینند که در شعله‌های می‌سوزد یا جنگل‌های کبیرکوه بدره که بلوط‌های کهنسالش را از دست می‌دهد. منطقه کنار کیوتران صیدون خوزستان، حفاظت‌شده سبزکوه چهارمحال و بختیاری، چراگاه‌های تنگ حمام سرپل‌ذهاب، ۲۰ هکتار از علفزارهای دهم‌ده و بی‌بی‌رشیده چرام، جنگل‌های پشته ارشت بدره، زمین‌های کشاورزی آبدانان، «رمون» ساردوئیه جیرفت، بلندی‌های ممسنی، جنگل‌های مانشات ایلام، کوه دراک شیراز، بلوط‌های مانشات، کوه‌های پیرامون آرامگاه سعدی، درختان بلوط قیلمان سراب‌باغ آبدانان، بلندی‌های تنگ‌چوگان کازرون، روستای جلیزری و کندم‌زارهای سه‌مانه دهلران و باغ‌های درباغ بندزرک میناب – جایی که ۱۰ هکتار نخلستان و باغ مرکبات نابود شد – همه در این ماه سوختند. این خسارات، زنجیره غذایی را مختل می‌کند و می‌تواند به افزایش قیمت محصولات کشاورزی و ناآرامی‌های اجتماعی در مناطق روستایی منجر شود.

۱۱ | تیر: تابستان داغ با خسارات پایدار
تیر، نخستین ماه تابستان، هرچند آمار آتش‌سوزی‌ها کاهش یافت، اما زخم‌های عمیقی بر جای گذاشت. مراتع چمن‌دب هویر دماوند سوختند، نخلستان‌های چوئیده آبادان نابود شدند، روستاهای داشاغل بوکان آذربایجان غربی در آتش غرق شدند، گیداری خاخره شادگان، اق‌داغ‌خلخال، جنگل ابر شاهرو، کاج‌های لاکان رشت، پارک ملی تندوره، پیچاب‌باشت، آروندکنار، مانشات ایلام، گجان ایلام، مورد‌باشت، چناردره سملقان بجنورد، پارک سوکان سمنان، سی‌سنگان نوشهر، دنا کهگیلویه، انجینه‌بانه کردستان، گجان سیروان، آشارشوی دزفول، بانروشان مهران، بان‌سر صالح‌آباد مهران، کردلیا دره گزی دالانکوه، چهارباغ شاهرود، انار مهدی‌جه گلوگاه و کوه گرم جهرم همه قربانی شدند. این آتش‌ها، در گرمای تابستان، اکوسیستم را بیشتر آسیب‌پذیر می‌کنند و می‌توانند به تشدید خشکسالی و بحران‌های اجتماعی در مناطق محروم منجر شوند.

۱۲ | خرداد: خاکستری‌ترین فصل بهار
خرداد ۱۴۰۴، سیاه‌ترین ماه بهار بود؛ با نزدیک به ۵۰ خبر

۲ | مردمی که قدر طبیعت را نمی‌دانند

با توجه به مجموع این موارد، دفتر مطالعات زیربنایی بر مرکز پژوهش‌های مجلس، در گزارشی که روز ۲۸ مرداد ماه منتشر شد، از سکوت سیاست‌گذار در برابر ابعاد این حوادث و بلاهای طبیعی و انسانی، انتقاد کرد و خواستار قانون‌گذاری در این عرصه با نگاهی به تجربه موفق سایر کشورهای جهان شد. در این گزارش آمده است: در دهه‌های اخیر، افزایش فشارهای انسانی بر منابع طبیعی و اکوسیستم‌ها، موجب کاهش توان زیستی سرزمین، کاهش تاب‌آوری اجتماعی و اقتصادی و تهدید امنیت غذایی و سلامت انسانی شده است. در این میان، مفهوم «خدمات اکوسیستم» به عنوان ابزاری علمی و سیاست‌محور برای سنجش ارزش‌های ملموس و ناملموس طبیعت، مورد توجه گسترده قرار گرفته است. خدمات اکوسیستم، شامل منافع متنوعی است که انسان‌ها به طور مستقیم یا غیرمستقیم



سالانه حدود ۱۰۰ هزار هکتار زمین ایران به بیابان تبدیل می‌شود و زیستگاه‌ها را در فلات مرکزی و دشت کویر از بین می‌برد. در شمال، جنگل‌های هیرکانی که یک میراث جهانی در ایران هستند با قطع درختان و آتش‌سوزی مواجه‌اند و دریای کاسپین (خزر) ۲.۵ برابر سریع‌تر از اقیانوس‌های جهان در حال گرم شدن است

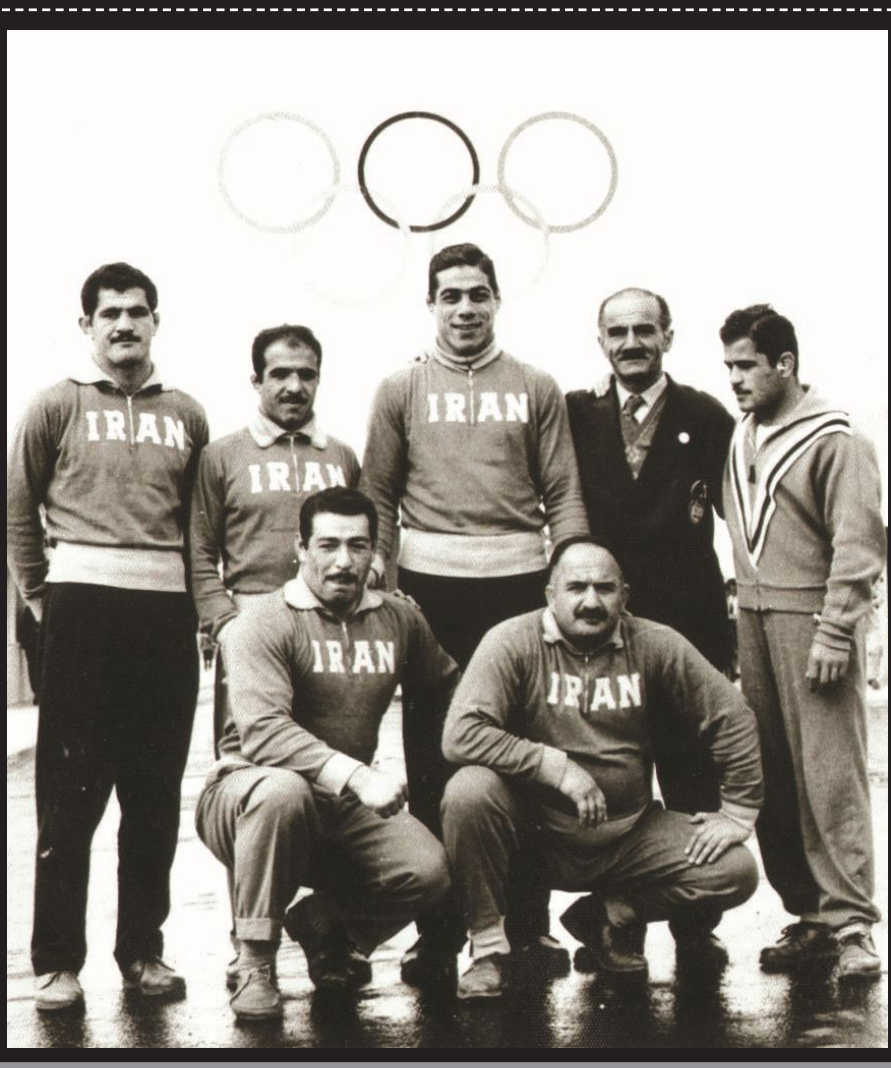


به بهانه در گذشت امامعلی حبیبی اولین طلایی المپیک ایران

مردی که غلامرضاتختی را ضربه کرد!

امامعلی حبیبی اولین طلایی ورزش ایران در تاریخ المپیک ها، دارنده سه مدال طلای کشتی آزاد جهان و عضو تالار مشاهیر اتحادیه جهانی کشتی در گذشت

گروه ورزش | خبر کوتاه بود اما تلخ؛ درباره مردی که سریع ترین کشتی گیر تاریخ بود و ببر مازندران لقب گرفت اما در نهایت مغلوب یک بیماری مهلک شد و دارفانی را وداع گفت. در همین ارتباط بد ندیدیم به جای سوگنامه، چکیده‌ای از زندگی این اسطوره پلنامنازع کشتنی ایران را مرور کنیم.



حوادث

از قتل خانوادگی در بهارستان تانزاع مر گبار در امین آباد و مرگ مشکوک یک فعال گردشگری

سه ماجرای جنایی در تعطیلات سه‌روزه تهران

فاطمه شیخ‌علیزاده دبیر حوادث

تعطیلات سه‌روزه پایانی مرداماده برای پایتخت و حومه، تنها استراحت و آرامش به همراه نداشت. در حالی‌که بسیاری از خانواده‌ها در تدارک سفر و دید و بازدید بودند، سه ماجرای جنایی در تهران و اطرافش رخ داد که هر کدام به‌تنهایی کافی بود تا افکار عمومی را شوکه کند. یک قتل خانوادگی در بهارستان، یک نزاع مرگبار در امین‌آباد و مرگ مشکوک یک زن فعال گردشگری در یکی از بیمارستان‌های پایتخت، پرونده‌هایی را پیش روی دستگاه قضایی و انتظامی گشود که همچنان در حال بررسی است.

قتل جوان افغانستانی در بهارستان

شامگاه‌سی ویکم مرداد، کارگاه کوچک لوازم یدکی در خیابان‌های شلوغ بهارستان به صحنه یک جنایت هولناک تبدیل شد. حدود ساعت ۲۰، مرد جوانی با حالتی هراس‌ان با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ تماس گرفت و گفت: «من، برادرم و پسرعمویم در این کارگاه کارگری می‌کنیم. لحظاتی قبل صدای درگیری آمد، وقتی پایین رفتم، دیدم برادرم غرق در خون روی زمین افتاده است. کمک کنید!»

با اعلام این خبر، تیم‌های ویژه اداره دهم پلیس آگاهی تهران به همراه قاضی کشیک قتل، محمدجواد شفیع‌ی، راهی محل شدند. در بررسی اولیه، جسد جوانی ۲۲ ساله از اتباع افغانستان پیدا شد که با ضربات متعدد چاقو به سر و گردن به قتل رسیده بود. شواهد صحنه حکایت از آن داشت که ضارب، پسرعموی مقتول بوده که پس از درگیری شدید و در حالی که کینه قدیمی میان آن‌ها وجود داشته، با چاقو او را هدف قرار داده و بلافاصله متواری شده است.

همسایه‌ها می‌گویند صدای فریاد و درگیری از داخل کارگاه شنیده بود که پس از درگیری سه‌سایه سال ها یافت. بررسی‌ها نشان می‌دهد قاتل و مقتول باایان در کنار هم کار کرده بودند اما اختلافات شخصی، سرنجام این رابطه کاری و خانوادگی را به تراژی تبدیل کرد.

با دستور بازپرس، جسد برای بررسی‌های تخصصی به پزشکی قانونی کهریزک منتقل شد و کارآگاهان تحقیقات خود را برای شناسایی مخفیگاه متهم فراری آغاز کرده‌اند. این پرونده در حال حاضر در شعبه پنجم دادرسی امور جنایی تهران تحت رسیدگی است.

نزاع خونین در امین‌آباد

چند ساعت بعد، نیمه‌شب همان روز، این‌بار شهری ر

یادگیری کشتی از خانم معلما

در دوران طفولیت امامعلی حبیبی و در روستای محل زندگی‌اش مدرسه نبود، مکتب داشتند. او را هم از ۵ سالگی به مکتب فرستادند. در مکتب هم آموزش قسران می‌دادند و زبان عربی و فارسی و... چیزهایی که برای سواد اولیه لازم بود. یک ملا باجی و خانم معلم هم داشتند که همه بچه‌های منطقه پیش او می‌رفتند. ۹ساله بود که پدرش را از دست داد و سرپرستی‌اش بر گردن برادر بزرگ و مادر افتاد. در مکتب به غیر از قرآن و خواندن و نوشتن، کشتی هم یاد گرفت؛ آن از یک خانم!

بله! یک خانم به اسم ملاباجی که در ساعت‌های بیکاری و اواخر روز، به او و سایر شاگردان مکتب کشتنی آموزش می‌داد. ملاباجی زنی تنومند و خودساخته بود.او علاقه زیادی به کشتی لوچو داشت و امامعلی کوچولو از همان زمان شیفته ورزش کشتی شد.

کوچ به قائمشهر و ملاقات با آقا بلور

کمی که بزرگ‌تر شد به همراه برادرانش به قائمشهر کوچ کرد؛ در آن شهر در مغازه آهنگری با روزی ۵ریال اجرت مشغول و چندی بعد در کارخانه نساجی قائمشهر استخدام شد و در باشگاه همان کارخانه زیر نظر اسکندر متولی تمرین کشتی را شروع کرد. دوران سربازی حبیبی در تیپ مستقل گرگان گذشت و در مهر ماه ۱۳۳۱ فرمانده گردان از او خواست در مسابقات کشتی لوچو در ساری شرکت کند. حبیبی برای اینکه وزنش معادل قهرمانان وزن باشد، مجبور شد جیب‌هایش را پر از سنگ کند. با این حال پشت همه را به خاک رساند و مفتاح استاندارد مازندران مدال افتخار را به سینه‌اش زد. حضور حبیب‌الله بلور در قائمشهر فرصت خوبی بود تا حبیبی ریزه کاری‌های کشتنی مدرن را بیاموزد. در مسابقه دوستانه‌ای با حضور شهردار قائمشهر، مقابل تیم منتخب تهران، همه همشهریان‌اش باختند و فقط دست او بالا رفت.

ضربه کردن قهرمان جهان با فن ملاباجی!

خدمت سربازی تمام شد و امامعلی به قائمشهر برگشت. در محل کارخانه نساجی یک سالان بود که می‌رفت در آنجا تمرین می‌کرد، یک روز در حال تمرین بود که استاد حبیب‌الله بلور و عبدالله مجتبیو به سالن آمدند جهت کشف استعداد برای تیم ملی. استاد بلور مربی تیم ملی بود و مجتبیو قهرمان جهان و وقتی وارد سالن شدند بعد از چند دقیقه به مرحوم بلور به مجتبیو گفت لخت شود و اشاره کرد به امامعلی حبیبی که با او کشتی بگیر! وقتی کشتی شروع شد حبیبی، ظرف یک دقیقه با یک سرزیر بغل که همان فن ملاباجی (!) بود، او را ضربه فنی کرد. این شروع کشتنی ملی امامعلی شد و از همان‌جا در دل مرحوم بلور جا گرفت.

توفیق را ضربه کرد و برای رها کردن، سند خواست!

سال ۱۳۳۵ امامعلی حبیبی به اردوی تیم ملی برای انتخابی بازی‌های المپیک ۱۹۵۶ میلون دعوت شد. او نه مربی داشت و نه سرپرست که همراهی‌اش کند. خودش تک و تنها به تهران رفت و در آنجا برای امامعلی ۱۷ کشتی گذاشتند که همه را یکی پس از دیگری برد و حتی جهانبخت توفیق را که در آن زمان قهرمان جهان بود، شکست داد. با این وجود قبول نکردند و گفتند باید شما دو نفر یک بار دیگر جلوی مقامات کشوری کشتی بگیرید. به هر حال کنار گذاشتن توفیق به عنوان قهرمان جهان بسیار سخت بود. کشتی دوم در سالن حیدرنبای فعلی برگزار شد. سالن مملو از جمعیت و داور وسط هم سعدیان معروف بود و همه تماشاچیان هم بچه تهران بودند. وقتی داور سوت شروع مسابقه را زد، امامعلی حبیبی ظرف مدت یک

ساله در بخش مراقبت‌های ویژه دریافت کردند. زن

متوفی، یکی از فعالان شناخته‌شده حوزه گردشگری کشور بود که سابقه عضویت در جامعه تورگردانان ایران، انجمن متخصصان گردشگری و اتاق بازرگانی را در کارنامه داشت.

او به دلیل مشکلات تیرئوید به بیمارستان مراجعه کرده بود و پس از یک عمل جراحی، حالش رو به شد. ماموران پلیس آگاهی و بازپرس کشیک قتل در محل حاضر شدند و با پیگیری جان‌مردی مواجه شدند که بر اثر اصابت سنگ بزرگ به ناحیه سر جان خود را از دست داد.

محله امین‌آباد شاهد جنایتی دیگر شد. ساعت ۲۳:۳۰ جمعه شب، خبر قتل مردی جوان به کلانتری مخابره شد. ماموران پلیس آگاهی و بازپرس کشیک قتل در محل حاضر شدند و با پیگیری جان‌مردی مواجه شدند که بر اثر اصابت سنگ بزرگ به ناحیه سر جان خود را از دست داده بود.

پزشکی میدانی نشان داد این حادثه ریشه در یک اختلاف ساده میان کودکان دو خانواده داشت. بازی بچگانه که به مشاجره کشیده شد، بزرگ‌ترها را وارد میدان کرد و ظرف دقایقی تنش خانوادگی به نزاعی مرگبار انجامید. عامل قتل، مردی تبعه پاکستان بود که در جریان این درگیری با پرتاب سنگ به سر همسایه خود، او را از پا درآورد.

شاهدان می‌گویند درگیری ابتدا لفظی بود اما خیلی سریع به خشونت کشیده شد و کسی تصور نمی‌کرد این جسدال کوچک به مرگ ختم شود. متهم که خودش نیز در جریان نزاع زخمی شده بود، پس از دستگیری تحت تدابیر حفاظتی به بیمارستان منتقل شد تا مراحل درمان و بازجویی تکمیل شود.

کارشناسان پلیس معتقدند این حادثه نمونه بارزی از تبدیل اختلافات ساده به فاجعه است؛ رخدادی که می‌توانست با اندکی خویشتنداری یا دخالت به‌موقع بزرگان محل پایان دیگری داشته باشد. جسد مقتول برای بررسی‌های تخصصی به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات درباره جزئیات بیشتر این نزاع خانوادگی همچنان ادامه دارد.

مرگ مشکوک فعال گردشگری

اما ماجرای سوم، رنگ و بوی متفاوتی داشت؛ حادثه‌ای

نه در کوچه و خیابان، بلکه در اتاق‌های سفید یک بیمارستان. پنجشنبه سسی‌ام مردادماه، ماموران کلانتری سنایی گزارشی از مرگ مشکوک زنی ۶۴

رخداد

دقیقه و ۱۰ ثانیه جهانبخت توفیق را ضربه فنی کرد. سعدیان داور وسط گفت ولش کن! حبیبی اما گفت تا دیگر داوران نیابند، امضا ندهید و بسند نکنید، من گردنش را ول نمی‌کنم چون ممکن است شما دوباره ششیمان شوید و بخواید کشتی مجدد بگذار بد! در همان لحظه در بین جمعیت یک نفر مازندرانی با صدای بلند فریاد زد: «زندهباد ببر مازندران» و از آنجا این لقب به او داده شد.

اولین طلای المپیک ایران زبپ گردن شاگرد ملاباجی!

امامعلی حبیبی در حالی که بیمار بود و ۴۰ درجه تب داشت، با فن ملاباجی با همان شگردش یک دست و یک پای معروف، موفق به کسب مدال طلای بازی‌های المپیک تابستانی ۱۹۶۵ در وزن ۶۷ کیلوگرم شد. این اولین طلای ایران در تاریخ المپیک‌ها بود. هر چند در همان رقابت‌بعد از حبیبی، جهان پهلوان غلامرضا تختی هم طلا گرفت. حبیبی کمی نام و نشان در ملبورن در دور اول المپیک مقابل آندریگ بلندآوازه پیروز شد. در فینال نیز در مقابل بستایف از شوروی قرار گرفت و او را ضربه فنی کرد و طلای المپیک را به دست آورد.

رم شهر افسوس بی‌پایان امامعلی

امامعلی حبیبی در المپیک ۱۹۶۰ رم هم می‌توانست قهرمان شود و دومین طلای المپیکش را صید کند اما اتفاقی حیرت‌آور رخ داد و او را از گردونه مسابقات بیرون انداخت. حبیبی در کاخ باستانی بازیلیکا با ۴ پیروزی در آستانه کسب مدال طلا ایستاد. شب ششم، باید با داگلاس بلوباخ از آمریکا کشتی می‌گرفت. حبیبی دو بار از پای راست زیرگیری می‌کند و هر دو بار خاک کرد. سپس با یک دست و یک پای مخالف تعادل حریف را به هم زد و همان فن را تبدیل به کول‌انداز کرد. لحظه‌ای شانه‌های بلوباخ با تشک آشنا شد اما بلافاصله پل زد. حدود یک دقیقه مقاومت کرد و سرانجام از زیر پل فرار کرد. روند مسابقه کاملاً یکطرفه می‌نمود. بلوباخ با اختلاف امتیاز فراوانی از حبیبی عقب بود. حبیبی که تشنه کسب امتیازات بیشتر بود، زیر زانو زده‌ای را نشان داد، در همین حین دست چپش بالا آمد و بلوباخ فرصت‌طلب، حوشیارانه فن رکبی را اجرا کرد. حبیبی هم حدود یک دقیقه روی پل شکننده‌ای که بسته بود مقاومت کرد اما ستون اصلی این پل یعنی دست راستش در گروی پل‌شکن بلوباخ بود. امامعلی حبیبی با همین شکست ضربه فنی، چهارم شد.

سه مدال طلای جهانی با سرعتی توفانی

حبیبی غیر از طلای المپیک، سه مدال طلای جهانی هم دارد. در مسابقات جهانی ۱۹۵۹ حریف نامدارش و اختانک بالاوازه از شوروی را ضربه فنی کرد و ناخواسته، روی اجرای فن صحیح و قانونی، دنده‌هایش را هم شکست. همچنین اسماعیل اوغان از ترکیه را هم با فن برات کلندون در یک دقیقه و ۱۵ ثانیه به سرنوشت بالاوازه دچار کرد. حبیبی در مسابقات جهانی ۱۹۶۱ یو کوهاما نتیجه‌ای تاریخی به جا گذاشت. او تمام رقبایش از جمله نماینده شوروی را ضربه فنی کرد. در فینال هم که ورزشگاه مملو از تماشاگران ژاپنی بود، فقط ۴۵ ثانیه به نماینده میزبان امان داد. حبیبی همچنین در مسابقات ۱۹۶۲ آمریکا دوباره اوغان را ضربه فنی کرد.

ضربه فنی کردن تختی ادعای حبیبی!

امامعلی حبیبی رابطه بسیار دوستانه‌ای با جهان پهلوان غلامرضا تختی داشت و در این رابطه نیز گفته بود: «تختی نزدیک‌ترین دوست من بود-من و تختی ۱۲ سال با هم زندگی کردیم. من با تختی هم کشتی گرفتم و در ۲ دقیقه و ۴۰ ثانیه ضربه کردم. در سالن کشتی

در گیری دو جوان در شهریار، به قتل منجر شد

گره کور در پرونده درگیری خونین جلوی جگرکی

در حالی که متهم ادعا می‌کند در دفاع از خود مر تکب قتل شده، رأی دادگاه در دیوانعالی کشور شکسته شد

مجید را سوار ماشین کنید. هادی جشه‌اش دو برابر مجید بود و او را گرفته بود. مجید راه فراری نداشت. بعد ناگهان دیدم هادی غرق خون شد.» شهادت دوم که دوست مقتول بود، گفت: «ما با دوستان مان گاهی به آن جگرکی می‌رفتیم. شب حادثه هم آنجا بودیم. مقتول کمی مشروب خورده بود و من هم اندکی مست بودم. لحظه درگیری نزدیک رفتم و دیدم هادی به زمین افتاده و خون زیادی روی زمین ریخته.»

در مقابل، سومین شاهد مدعی شد: «شش، هفت متر با صحنه فاصله داشتم و درست متوجه نشدم چه کسی ضربه را زد.»

چهارمین شاهد اما شهادت متفاوتی داد و گفت: «مجید از همان اول که لب جدول نشسته بود، مدام با چاقو بازی می‌کرد. همین کار باعث شد هادی تحریک شود و درگیری شکل بگیرد.»

سپس وکیل اولیای دم پشت جایگاه حاضر شد و تأکید کرد: «خانواده مقتول خواستار قصاص هستند. متهم و مقتول از یک سال پیش با یکدیگر درگیری داشتند و دشمنی قدیمی زمینه‌ساز نزاع مرگبار شب حادثه شد.»

دفاعیات متهم

نوبت به دفاعیات مجید رسید. او که آرام اما مضطرب بود، این بار در دادگاه حاضر نبود و در جریان ویدئوکل به قضات گفت: «آن شب بی‌دلیل سراغم آمدند. هادی بدون مقدمه چند بار به سرم ضربه کوبید و من گیج شدم، به او گفتم تو که با عمو من دوست هستی چرا اینطور به من حمله می‌کنی؟ اما او اصلا اعتنا نمی‌کرد. یکی از دوستانش هم بنچمه قمه بیرون آورد. ترسیده بودم. می‌خواستند مرا سوار ماشین کنند. به همین دلیل چاقو کشیدم و ضربه زدم. قصد کشتن نداشتم. فقط برای نجات جانم بود.»

او ادامه داد: «از دو ماه قبل هر شب همان‌جا شام می‌خوردم و همه می‌دانستند باتوق من کجاست. عمداً سراغم آمدند. من مشکلات عصبی دارم و آن روزها با قرض دیگر سر رسیدم. او کنار جدول نشست تا بقیه روی صندلی‌ها جا شوند. ناگهان هادی او را صدا زد. در یک لحظه دیدم با هم درگیر شدند. هادی به مجید سیلی زد و حتی تیرش‌ش را پاره کرد. مجید گفت چرا می‌زنی؟ تو که با عمو می دوست هستی اما هادی به دوستانش گفت



با ضربه چاقو، هادی ۲۷ ساله را به قتل رسانده است. او در شعبه چهارم کیفری به قصاص محکوم شده بود اما دیوان عالی کشور با پذیرش بخشی از دفاعیات، حکم را نقض و رسیدگی دوباره را به این شعبه سپرد.

روایت شاهدان

در ابتدای جلسه، قاضی رئیس دادگاه از شاهدان صحنه نزاع خواست جزئیات شب حادثه را بیان کنند.

صاحب جگرکی که نخستین شاهد بود، پشت تریبون ایستاد و گفت: «آن شب مثل همیشه کنار خیابان بساط کرده بودیم. مجید با ماشین آمد و بعد هم چند نفر دیگر سر رسیدند. او کنار جدول نشست تا بقیه روی صندلی‌ها جا شوند. ناگهان هادی او را صدا زد. در یک لحظه دیدم با هم درگیر شدند. هادی به مجید سیلی زد و حتی تیرش‌ش را پاره کرد. مجید گفت چرا می‌زنی؟ تو که با عمو می دوست هستی اما هادی به دوستانش گفت

صاحب امتیاز: شرکت هفت صبح ماندگار
مدیر مسئول: امیر تاجیک
زیر نظر: شورای سر دبیری
مدیر هنری: وحید غفاری
دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذرپور

دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیراده
دبیر بین الملل: رامتین لطیفی
دبیر صفحه آخر: مر تفسی کیلیلی
تحریریه ورزش: مهدی هژبری و مهدی یکتا
ویراستار: فرزانه اختناری

قاب / از رویدادهای امروز تا مشاهیر تاریخ معاصر و عکس های خاطره انگیز شهری و خودرویی و فوتبالی و...



قاب مشاهیر ۱

سسکوی رده بندی کشتی آزاد دسته ۷۳ کیلو گرم – مسابقات جهانی تهران ۱۹۵۹: امامعلی حبیبی (طلا) ایران – واخدانگ بالاواوزه (نقره) شوروی – اسماعیل اوغلان (برنز) ترکیه. تیمسار متین دفتری (رئیس وقت سازمان تربیت بدنی) و اشرف وحیدیان (ستاره و کاپیتان تیم ملی والیبال) نیز در تصویر حضور دارند اما کشتی خونین اگر طالب هستی، برو نبرد امامعلی حبیبی و آندر برگ سوئدی را بازبینی کن...خاطره ابراهیم افشار از المپیک ملیورن ۱۹۵۶ را بخوانید: امامعلی که برای اولین بار سفر خارجی را تجربه می کرد، هنگامی که در دور اول به افسانه کشتی جهان «آندر برگ» سوئدی (دارنده شش طلا و نقره جهانی و المپیک) خورد همه فاتحه اش را خواندند و حلوایش را پیش پیش خوردند اما امام، شیر بیشه مازندران، روی یک نکته ضعف مهم از حریف غدارش حساس کرده بود که آن را هم مدیون حریف جوانمردش توفیق جهانپخت بود که پیش از مسابقه در گوش او خوانده بود: «خواست باشه امام.

این پهلوان سوئدی در همان اول مسابقه، یک ضربه چپ اندر قیچی محکم به نقطه حساس گردن حریف می زنه که حریف را ناکار کند. طوری هم می زنه که داور نبینم. هر کی از این ضربه ها بخوره کارش دیگر زار است و تا آخر

جدول و سرگرمی

۸	۴	۴	۷	۶	۱	۹	۲	۵	۳	۸	۲	۱	۷	۱	۹	۴	۵	۳	۸
۲	۹	۷	۴	۳	۵	۱	۸	۶	۷	۳	۵	۶	۲	۸	۱	۹	۴	۱	۷
۶	۱	۵	۹	۴	۸	۳	۲	۷	۱	۸	۹	۴	۵	۱	۳	۲	۶	۷	۵
۵	۴	۹	۶	۸	۳	۲	۷	۱	۴	۵	۶	۲	۸	۱	۷	۳	۴	۵	۳
۳	۷	۶	۱	۲	۴	۵	۹	۱	۸	۳	۲	۷	۱	۴	۵	۶	۲	۸	۱
۱	۸	۲	۵	۷	۴	۶	۳	۲	۱	۳	۵	۶	۲	۸	۱	۷	۳	۴	۵
۴	۳	۵	۷	۶	۱	۲	۴	۵	۹	۱	۳	۵	۶	۲	۸	۱	۷	۳	۴
۷	۵	۱	۸	۳	۲	۷	۱	۴	۵	۶	۲	۸	۱	۷	۳	۴	۵	۳	۸
۲	۹	۷	۴	۳	۵	۱	۸	۶	۷	۳	۵	۶	۲	۸	۱	۹	۴	۱	۷

۴	۳	۵	۷	۶	۱	۲	۴	۵	۹	۱	۳	۵	۶	۲	۸	۱	۷	۳	۴
۷	۵	۱	۸	۳	۲	۷	۱	۴	۵	۶	۲	۸	۱	۷	۳	۴	۵	۳	۸
۲	۹	۷	۴	۳	۵	۱	۸	۶	۷	۳	۵	۶	۲	۸	۱	۹	۴	۱	۷

۷	۸	۶	۳	۹	۲	۵	۴	۱	۲	۶	۷	۳	۹	۸	۴	۶	۵	۱	۷	۲
۲	۱	۵	۴	۶	۹	۸	۳	۲	۷	۱	۴	۵	۶	۲	۸	۱	۷	۳	۴	۵
۳	۷	۶	۱	۲	۴	۵	۹	۱	۸	۳	۲	۷	۱	۴	۵	۶	۲	۸	۱	
۱	۸	۲	۵	۷	۴	۶	۳	۲	۱	۳	۵	۶	۲	۸	۱	۷	۳	۴	۵	
۴	۳	۵	۷	۶	۱	۲	۴	۵	۹	۱	۳	۵	۶	۲	۸	۱	۷	۳	۴	
۷	۵	۱	۸	۳	۲	۷	۱	۴	۵	۶	۲	۸	۱	۷	۳	۴	۵	۳	۸	
۲	۹	۷	۴	۳	۵	۱	۸	۶	۷	۳	۵	۶	۲	۸	۱	۹	۴	۱	۷	

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱		
۱	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۲	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	
۳	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	
۴	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۱۶	
۵	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۱۶	۱۷	
۶	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۱۶	۱۷	۱۸	
۷	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	
۸	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	
۹	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	
۱۰	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	
۱۱	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	
۱۲	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	
۱۳	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	
۱۴	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	
۱۵	۳۰	۳۱	۱	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
ن	ا	م	ت	ع	ا	ر	ف	و	ز	ا	ن	ع	ا	س
ر	ی	چ	ا	ل	د	ر	ی	ل	ف	ا	س	ع	ا	س
گ	م	پ	ف	ک	ب	ا	ی	ل	ف	ا	س	ع	ا	س
س	ر	م	ز	ا	و	ه	ی	ل	ف	ا	س	ع	ا	س
ی	س	ر	ا	پ	ا	ی	س	ی	ل	ف	ا	س	ع	ا
پ	ر	و	ر	ی	ل	ف	ا	س	ع	ا	س	ع	ا	س
ا	ر	و	س	ی	ل	ف	ا	س	ع	ا	س	ع	ا	س
ص	و	ر	ت	ک	ا	ت	ر	ی	ل	ف	ا	س	ع	ا
غ	ا	ل	ج	ز	ا	ی	ل	ف	ا	س	ع	ا	س	ع
ر	م	د	ا	د	ش	ی	ل	ف	ا	س	ع	ا	س	ع
ت	و	ک	ل	ب	ه	ت	ه	و	ی	ل	ف	ا	س	ع
و	ن	ا	ه	ر	ت	ن	ز	ل	ف	ا	س	ع	ا	س
س	ا	ل	ک	ا	س	ی	ل	ف	ا	س	ع	ا	س	ع
ل	ک	ی	ن	ا	س	ی	ل	ف	ا	س	ع	ا	س	ع
ی	و	ر	ت	م	ه	م	ا	ن	س	ی	ل	ف	ا	س